

«بازی؛ شاه‌کلید ورود به دنیای کودکان»



پیش از ورود به محل تشکیل کارگاه توانمندسازی مربیان، کفش‌های خود را در جای مخصوص قرار می‌دهیم و به آرامی، با حرکت روی کف‌پوش‌های سالن، وارد اتاق جلسه می‌شویم. میز و صندلی‌های داخل اتاق برای کودکان طراحی شده است؛ اما امروز از ساعت ۸ صبح روز جمعه در سومین هفته از آخرین ماه فصل رنگارنگ پاییز، کسانی روی این صندلی‌ها می‌نشینند که خودشان حامی و راهنمای تربیتی و یادگیری نوآموزان بسیاری هستند. این بار مهمانان از مجتمع آموزشی حضرت جواد الائمه (ع) یزد، شهر بادگیرها و دوچرخه‌ها، آمده‌اند تا حول موضوع «بازی» بر تجربه‌های خود بیفزایند.

مرجان قیدر، دکترای مدیریت آموزشی، مدرس دانشگاه و رئیس انجمن بازی و ورزش کودکان استان تهران که رزومهٔ پرباری در زمینه‌های تألیف کتاب و مقاله، مربیگری‌های متنوع، برگزاری نمایشگاه و تدریس در کارگاه‌های تخصصی دارد، ادارهٔ کارگاه را عهده‌دار است.

سید محسن گلدان‌ساز، محمد ناصری و سید کمال شهابلو نیز این جمع را همراهی می‌کنند. «بازی» تنها کلمه‌ای است که هر روز، از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعدازظهر، در این اتاق پر از شادی و لبخند و سرگرمی تکرار می‌شود. بچه‌ها خودشان اینجا نیستند؛ اما تمام حرف‌ها، نکته‌ها و تدبیرها که بین حاضران رد و بدل می‌شود، متعلق به آن‌هاست. ما به نمایندگی از شما اینجا روی یکی از همان صندلی‌های کوچک حضور پیدا کردیم تا از شاه‌کلید ورود به دنیای کودکان بیشتر بدانیم و آن‌ها را با شما در میان بگذاریم. طبق برنامهٔ طراحی شده، گام‌به‌گام پیش رفتیم و ما حاصل این هشت ساعت را تقدیم محضرتان می‌کنیم. با ما همراه باشید!



بازی؛ چوب جادویی معجزه‌گر دنیای کودکان

در بخش نخست برنامه، ابتدا محمد ناصری به حاضران خوشامد گفت و اظهار امیدواری کرد که کارگاه امروز بتواند بر دانش و تجربه شرکت‌کنندگان در زمینه بازی بیفزاید و مریبان از این نشست، در مسیر فعالیت‌های خود در پیش‌دبستانی بهره لازم را ببرند. سپس دکتر مرجان قیدر در قالب برنامه تدوین‌شده این‌طور آغاز کرد: «سلام به شهر قنات و قنوت و قناعت! سلام به شهر باقلوا و قطاب! سلام به شما که از مجتمع آموزشی جوادالائمه (ع) به شهر خاکستری* امروز ما آمده‌اید! شاید امروز شهر ما خاکستری باشد؛ اما تلاش می‌کنیم، در کنار هم، دنیایی رنگارنگ از بازی را تجربه کنیم.»

دکتر مرجان قیدر، با انرژی و نشاط صبحگاهی جلسه را آغاز کرد و امیدوارانه از کلمات کمک گرفت تا از درون دنیای بزرگ بازی‌ها، برای چند ساعت، مخاطبانش را به جهانی لبریز از شور و هیجان دعوت کند که هر روز و هر ساعت، کودکان بسیاری در گوشه‌گوشه این کره خاکی آن را در ذهن خلاق خود تجربه می‌کنند. او صحبت‌های خود را با واژه بازی شروع کرد و گفت: «شما در هر کسوتی که هستید، از مدیر تا مربی، با بچه‌ها ارتباط دارید و بازی از دنیای بچه‌ها

جدانشدنی است. بازی همان چوب جادویی است که در دنیای کودکان معجزه می‌کند. من مربی بچه‌ها نیستم، بلکه هم‌بازی آن‌ها هستم و شما هم تلاش کنید هم‌بازی کودکان باشید. این یک افتخار است.

زمانی که دنیا را از قد و قامت بچه‌ها نگاه کنید، معنی بازی آن‌ها را درک و احساس خواهید کرد. اگر می‌خواهید با بچه‌ها بازی کنید، نباید از بالا آن‌ها را ببینید.

اینکه بالای سر بچه‌ها قرار بگیرید و به آن‌ها بگویید این کار را انجام بده، آن

توپ را پرتاب کن، این را بیاور و... جواب نمی‌گیرید. باید کنار آن‌ها بنشینید و هم‌قد آن‌ها باشید تا معجزه بازی را ببینید و احساس کنید. ما آن‌قدر باید این جمله‌ها را با هم تکرار کنیم تا معجزه بازی در ذهنمان جا بگیرد و پانزده نفر دیگر مثل من باور کنند بازی معجزه کودکان است.»

او در ادامه از مریبان پرسید: «بازی به چه معناست؟» آن‌ها هم هر کدام از دید خودشان تعریفی را بیان کردند. سخنران جلسه ادامه داد: «بازی تمرین طبیعی زندگی کردن است. اگر ما بخواهیم برای زندگی کردن تمرینی بدهیم؛ تمرینی که برای ما و بچه‌ها طبیعی

* کنایه از آلودگی هوای تهران

باشد، باید از بازی کردن نام ببریم. بازی شغل بچه‌هاست. شما اگر با بازی، دنیای بچه‌ها را نشناسید، هیچ‌وقت نمی‌توانید وارد شغل آن‌ها شوید. من همیشه جمله جالبی را به بچه‌ها، خانواده‌ها یا مریبان می‌گویم. آن جمله این است که در اطراف بچه‌ها یا دور هر آدمی حیطة‌ای وجود دارد که آن حیطة امن آن‌هاست و امکان ندارد شما را وارد آن حیطة امن کنند.

این حیطة درهای بسیار دارد؛ اما این درها بسته است. پدر، مادر، پدربزرگ، مادربزرگ و اقوام نزدیک کودک در این حیطة قرار دارند. حتی برخی افراد در درجات دورتر هم ممکن است در این حیطة قرار بگیرند؛ ولی آیا شما که غریبه هستید، اجازه ورود به این دنیا را دارید؟ چگونه می‌خواهید این درها را باز کنید؟ شاه‌کلید ورود به دنیای بچه‌ها بازی است. تصور کنید دور من یک دایره است و تنها راهی که می‌توانید به

من نزدیک شوید، بازی کردن است. دنیای بچه‌ها هم این‌گونه است، همان‌گونه که برای آن‌ها سخت است وارد دنیای دیگران شوند، ورود به دنیای آن‌ها هم سخت است؛ ولی بازی راه ورود به این دنیاست. کم‌کم با بچه‌ها بازی کنید. به شما قول می‌دهم سخت‌ترین بچه هم این در را به روی شما باز می‌کند؛ اما نحوه ورود به این دنیا راه خودش را دارد.»

وی سپس در خصوص نحوه ورود به دنیای کودکان یادآور شد: «با گفتن این عبارت که بیا پسر، قربونت برم، بیا با هم بازی کنیم، نظر کودک به سمت شما جلب نمی‌شود. با ایجاد سروصدا و به اصطلاح شلوغ کردن هم نمی‌توان او را به سمت بازی دعوت کرد. همان‌طور که

دکتر مرجان قیدر، با انرژی و نشاط صبحگاهی جلسه را آغاز کرد و امیدوارانه از کلمات کمک گرفت تا از درون دنیای بزرگ بازی‌ها، برای چند ساعت، مخاطبانش را به جهانی لبریز از شور و هیجان دعوت کند که هر روز و هر ساعت، کودکان بسیاری در گوشه‌گوشه این کره خاکی آن را در ذهن خلاق خود تجربه می‌کنند



را هم بدهم. شما نمی‌توانید از او بخواهید که این کار را کنار بگذارد و با روش معمولی به کلاس وارد شود. در کلاس همه‌جور کودک و نوآموزی وجود دارد. قرار نیست همه در یک سطح و اندازه باشند و به اصطلاح بچه‌ها دستچین شده در اختیار ما قرار بگیرند. اینجاست که مربی بودن ما مشخص می‌شود. مربی بودن یعنی اینکه بتوانیم بچه‌هایی با خلق و خویهای متفاوت و متنوع را با سایرین همراه کنیم. اگر همه خوب و عالی و دستچین شده باشند که فعالیت‌های ما خیلی هنری محسوب نمی‌شود. رسالت شما در اینجاست که بتوانید این گروه از بچه‌ها را در کلاس با بقیه همراه کنید؛ یعنی شب که به خانه می‌روید و درباره کلاس خودتان فکر می‌کنید، با خود بگویید که من امروز توانستم فلان کودک را که شیطان‌ترین بچه بود، از طریق بازی و سرگرمی با خود همراه کنم.»

او در ادامه وارد مبحث گوناگونی بازی‌ها شد و گفت: «بازی‌ها ساختارمند هستند و غیرساختارمند. بازی‌های ساختارمند بستگی به رده سنی بچه‌ها دارد. دو دایره را فرض کنید که یکی ساختارمند است و دیگری غیرساختارمند و البته یک نقطه اشتراک هم دارند.

بین این دو دایره بازی‌های تلفیقی قرار می‌گیرند که نه خیلی شبیه آن هستند و نه خیلی شبیه این. اینکه شما در کلاس خودتان از کدام یک از این بازی‌ها استفاده کنید، بستگی به شما و شرایطتان دارد.

بازی کلاش مرحله دارد و من برای شما توضیح می‌دهم که این شش مرحله شامل چه چیزهایی است. مرحله اول مربوط به زمانی است که کودک به دنیا می‌آید. این مرحله تا سه ماهگی ادامه دارد. بازی در این مرحله در واقع

همان بازکردن چشم و نگاه کردن به اطراف است. کودک در این مرحله پاهای خود را بالا می‌آورد و با آن‌ها بازی می‌کند. او در حال شناخت و کشف بیشتر دست‌ها و پاهای خود است. گاهی هم با انگشتان دستش چنگ می‌زند. این چنگ‌زدن هم جزو بازی‌های بچه‌هاست. مرحله بعدی، بازی بچه‌ها تا دو سالگی و به صورت انفرادی است. کودک در این مرحله ممکن است با وسایل و ابزارهایی بازی کند و با دنیای بیرون هم خیلی کاری نداشته باشد، حتی اگر مادر هم کنار او نشسته باشد، کودک بیشتر با خودش سرگرم است. در این سن بازی‌های تعاملی برای بچه‌ها ضرورتی ندارد و جزو ساختار آن‌ها نیست.

وقتی برای شما مهمان می‌آید، اگر با سروصدا وارد شود، شما هیچ تمایلی به برقراری ارتباط نمی‌دهید، کودک هم همین حالت را دارد. با سروصدا و جیغ‌زدن، هیچ بچه‌ای به سمت شما نمی‌آید. لازم است که راه این کار را یاد بگیریم. یکی از دوستان شما امروز در تعریف بازی گفت که بازی لذت است. اگر شما بازی را آموزشی خیلی سخت و جدی در نظر بگیرید، مسیر را اشتباه رفته‌اید. فرض کنیم شما فرضیه‌ای را برای بازی در نظر گرفته‌اید، اما کودک در عمل از مسیر دیگری وارد می‌شود که خودش بلد است. حال اگر شما بخواهید به او تذکر بدهید که این کار اشتباه است و مسیر انجام این بازی طور دیگری است و شما باید توپ را به این سمت پرتاب می‌کردی و نه سمت مقابل، در همان جا کار را خراب کردید. در واقع این در ارتباطی را بسته‌اید.»

**بازی از دنیای بچه‌ها
جدانشدنی است. بازی همان
چوب جادویی است که در
دنیای کودکان معجزه می‌کند.
من مربی بچه‌ها نیستم، بلکه
هم‌بازی آن‌ها هستم و شما هم
تلاش کنید هم‌بازی کودکان
باشید. این یک افتخار است**

هنر مربی؛ همراهی با کودکان با توانایی‌های متنوع و متفاوت

دکتر قیدر، مدرس کارگاه، در ادامه به یکی از تجربه‌های کلاس خودش در همین زمینه اشاره کرد و افزود: «به یاد دارم یک بار نوآموزی داشتم که هنگام ورود به کلاس انگشتان دستش را به سمت من نشانه رفته بود و به گونه‌ای که انگار تفنگی در دست دارد، شروع به تیراندازی به سمت من و کلاس کرد. صدای آن را هم درآورد. او دنبال این بود که با این کار توجه کلاس و من را به طرف خوش جلب کند. او از این طریق داشت به من سلام می‌کرد و منتظر بود جواب سلامش



بچه‌های دیگر یک بازی درست کردیم؛ سنگر ساختیم، تفنگ‌بازی کردیم و به سمت هم تیر انداختیم، بدون آنکه بخواهیم به او حرفی بزنیم، این بازی را ادامه دادیم. در واقع سعی کردم با او در مسیر خودش همراهی کنم. همین باعث شد زمانی که کودک می‌خواست از پیش ما برود، به من گفت: امروز خیلی باحال بود و به ما خوش گذشت. این همان کودکی بود که اول صبح من را کشت؛ اما آخر کار با این خوشحالی از در بیرون رفت.»

روح و روان کودکان، اولویت اول ما

مدرس جلسه در ادامه به اهمیت توجه به روح و روان بچه‌ها اشاره کرد و گفت: «یادمان باشد که هیچ کاری را نمی‌توانیم با زور انجام بدهیم، در حالی که بچه‌ها پذیرای آن نیستند. من بارها و بارها تأکید کرده‌ام که روح و روان بچه‌ها از هر چیزی باارزش‌تر است. ما هر مشکلی در زندگی خودمان داریم، ریشه در بچگی‌های ما دارد؛ یعنی اتفاقی افتاده است که ما الان یادمان نمی‌آید؛ ولی در مغز ما حک شده است. یادتان باشد که هیچ‌وقت به بچه‌ها برچسب نزنید.

بازی‌های بخش چهارم مربوط به کودکان بالای دو سال است. می‌توان به آن‌ها بازی‌های موازی هم گفت. منظور از بازی‌های موازی چیست؟ فرض کنید تعدادی بلوک ساختمان‌سازی این وسط قرار داده شده است، ولی هر بچه‌ای خودش مشغول ساخت‌وساز برای خودش است و با نفرات دیگر کاری ندارد؛ یعنی نه من به بلوک‌های تو دست می‌زنم و نه تو به وسایل بازی من دست می‌زنی. ما هر کدام برای

خودمان در حال بازی و سرگرمی هستیم. بازی‌های گروه پنجم بازی‌های ارتباطی و بیشتر مخصوص کودکان سه ساله و چهار ساله است. اینجا مرحله شروع بازی‌های تعاملی و ارتباطی است و ما در آغاز این راه هستیم. در این سن، تازه مهارت‌های زبانی کودکان در حال تکمیل شدن است. البته استثنائاتی هم وجود دارد. این‌طور نیست که همه بچه‌ها در این سن دقیقاً مثل هم رفتار کنند. در بازی‌های مشارکتی بچه‌ها با هم فعالیت می‌کنند، با هم اسباب‌بازی‌ها را زمین می‌ریزند، با هم بازی می‌کنند و با هم آن‌ها را جمع می‌کنند. در فعالیت‌های مشارکتی بچه‌ها در تلاش‌اند کاری را با کمک هم انجام دهند و به نتیجه برسانند؛ مثلاً

یادمان باشد که هیچ کاری را نمی‌توانیم با زور انجام بدهیم، در حالی که بچه‌ها پذیرای آن نیستند. من بارها و بارها تأکید کرده‌ام که روح و روان بچه‌ها از هر چیزی باارزش‌تر است. ما هر مشکلی در زندگی خودمان داریم، ریشه در بچگی‌های ما دارد

دسته بعدی بازی‌ها آن‌هایی هستند که رفتار تماشاگرگونه دارند. این بازی‌ها مخصوص دو ساله‌هاست. یادتان باشد که اولین مرحله آموزش مشاهده است. من شاگردانی داشتم که در جلسات اول، دوم، سوم و چهارم فقط نگاه می‌کردند. مادر این بچه ناراحت می‌شد و می‌گفت، من دارم پول می‌دهم؛ اما این بچه فقط در کلاس شما نگاه می‌کند و هیچ کاری انجام نمی‌دهد. من از مادر سؤال می‌کردم

که فرزند شما که در اینجا فقط نگاه می‌کند، در خانه چه کاری انجام می‌دهد. او جواب می‌داد که او در خانه کارهای شما را تکرار می‌کند. من به او می‌گفتم همین اندازه خوشحال باش که او اینجا با نگاه کردن یاد می‌گیرد و در خانه آن کار را تکرار می‌کند. در واقع تأکید من به مادر این بود که شما باید خوشحال باشید که فرزندان از طریق مشاهده کردن در حال یادگیری است. در واقع چنین کودکی در این محیط در

حال ضبط کردن است و بعد از مدتی به یکباره آنچه را ضبط کرده است، از خود بروز می‌دهد.»

دکتر قیدر در ادامه خطاب به مربیان در خصوص نحوه ارتباط گرفتن بچه‌ها و متفاوت بودن شیوه این کار گفت: «ما باید دقت داشته باشیم که هر کدام از بچه‌ها با روش خاص خودشان در کلاس با مربی ارتباط می‌گیرند. کودکی که در بدو ورود با تفنگ به سمت من تیراندازی می‌کرد، بعد از مدتی مشخص شد که مادرش او را به زور در پیش‌دبستانی ثبت‌نام کرده است. به خاطر همین کودک به من گفت که من آمده‌ام تو را بکشم و بروم؛ یعنی آن کودک راه دیگری برای خلاص شدن از دست من نداشته است. من در همان روزها با کمک



برانکاردی درست می‌کنند و مریض‌ها را که تعدادی توپ هستند، برای رساندن به بیمارستان، از جایی به جای دیگر جابه‌جا می‌کنند. در این بین باید مراقب باشند که توپ‌ها از روی برانکارد به زمین نیفتد. این تعاملات باعث می‌شود تا بچه‌ها کار کردن به صورت گروهی را یاد بگیرند.»

دکتر قیدر که در این حوزه بسیار فعال و صاحب کتاب‌ها و تألیفات نیز هست، در خصوص اهمیت یادداشت‌برداری به مریبان یادآور شد: «این نکاتی را که من خدمت شما عرض کردم، حاصل تألیفات و کتاب‌های خودم است. من فقط یک کتاب ترجمه کرده‌ام. مابقی تألیفاتم به نوعی تجربه‌های شخصی من به شمار می‌رود. من همواره برای خودم دفتتری دارم و نکات متعدد را یادداشت می‌کنم. اگر شما هم می‌خواهید چیزی را فرابگیرید، همواره آن را یادداشت کنید. با نوشتن‌هاست که اطلاعات در مغز ما ثبت می‌شود. من هنوز هم وقتی می‌خواهم کاری انجام بدهم یا کارگاهی را برگزار کنم، محتوای آن را از قبل می‌نویسم و از روی نوشته صحبت

می‌کنم. تمام بازی‌هایی را که برای بچه‌ها انجام می‌دهم، اسم و هدف دارد و مراحل انجام و ابزار آن هم مشخص است. یادتان باشد که کلاس خود را فقط روی یک بازی محدود نکنید؛ زیرا اگر کودک کلاس شما مسیر دیگری غیر از آن بازی تعیین شده را رفت، شما سردرگم نشوید؛ لذا همیشه باید مراحل گوناگونی را برای یک بازی در نظر بگیرید؛ یعنی بدانید چه مهارتی را قرار است با بچه‌ها کار کنید، زمان و مکان آن کجا باید باشد و چطور آن را اجرا کنید.»

اگر شما هم می‌خواهید چیزی را فرابگیرید، همواره آن را یادداشت کنید. با نوشتن‌هاست که اطلاعات در مغز ما ثبت می‌شود. من هنوز هم وقتی می‌خواهم کاری انجام بدهم یا کارگاهی را برگزار کنم، محتوای آن را از قبل می‌نویسم و از روی نوشته صحبت می‌کنم

استفاده کنم. این اتاق که ما همه در آن نشسته‌ایم، دنیا و گنج من است. ما باید یاد بگیریم با «هیچی» هم یک مربی خوبی باشیم.»

دکتر قیدر ضمن سخنانش به تقویت نگاه مربی برای استفاده از ابزارها و وسایل در مواردی غیر از آنچه انتظار می‌رود، اشاره و شاهد مثالی نیز از فعالیت‌های خودش ذکر کرد: «من چند وقت پیش به منطقه شهریار رفته بودم. در آنجا با انبوهی از

لاستیک‌های مستعمل روبه‌رو شدم. تعدادی از آن‌ها را با خودم آوردم. اینجا آن‌ها را رنگ کردیم و حالا داریم از آن استفاده می‌کنیم. حتی این تیر دروازه‌ای را که اینجا می‌بینید و بچه‌ها با آن بازی‌های زیادی انجام می‌دهند، خودم درست کرده‌ام. مربی باید خلاق باشد و از هر امکاناتی در مسیر فعالیت خودش استفاده کند. بنابراین هیچ وقت نگویید که نیست، نداریم، مدیر مجموعه به ما چیزی نمی‌دهد، برایمان تهیه

نمی‌کنند. این حرف‌ها پذیرفتنی نیست. بعضی‌ها هم می‌گویند این امکانات و ابزارهایی که داریم، دیگر قدیمی شده و برای بچه‌ها خیلی عادی است. خب، مربی گرامی، شما همان ابزار عادی را به صورت غیرعادی استفاده کن. ما با همین لاستیک‌ها هزار جور بازی درست می‌کنیم. باید یاد بگیریم قابلیت انطباق داشته باشیم و بر اساس شرایط موجود وضعیت را در کلاس تغییر بدهیم. کاری کنید که حال دل بچه‌ها و حال کلاس عوض شود. البته گاهی هم پیش می‌آید که به قول معروف قمر در عقرب است و اصلاً آن روز روز آموزش و یادگیری نیست. در چنین شرایطی باید برخی فعالیت‌ها را رها کرد و به سراغ کارهای دیگر رفت.»



مدرک پروفیسوری تحویل نمی‌دهیم. مهم این است که حرکات و مهارت‌های بچه‌ها در اینجا تکمیل شود. گاهی شاید خانواده‌ها متوجه برخی از فعالیت‌های ما در اینجا نباشند و ندانند که ما چه کارهایی برای بچه‌ها انجام می‌دهیم؛ اما همین اندازه که مهارت‌های حرکتی کودک تکمیل شود، مثلاً بتواند توپ را به درستی پرتاب کند یا قدرت دست او و خم شدنش درست شود، کار ما درست انجام شده است؛ یعنی وقتی او در سن بالاتر بتواند درست والیبال بازی کند، ما کارمان را خوب انجام داده‌ایم. بسیاری از اوقات ممکن است والدین متوجه این نوع حرکات رشدی در بچه‌ها نباشند. قرار نیست بچه‌ها در فعالیت‌های پیش‌دبستانی مدال بگیرند. در این سن، آنچه اهمیت دارد این است که آن‌ها دارند بازی می‌کنند. در پیش‌دبستانی فعالیت‌های ما برنده و بازنده ندارد. اینجا مسابقه و رقابت و المپیک نیست. از نظر من بچه‌ها در این سن همگی در انجام فعالیت‌ها برنده هستند. مهم این است که کودکان آسیب نبینند و همه خوشحال باشند، ورزش و بازی کنند و بعد از این فضا بیرون بروند.»

قیدر در ادامه تأکید کرد: «باید توجه پدران و مادران را به این نکته جلب کنیم که فرزند شما الان می‌تواند توپی را پرتاب کند، بازی کند و با صدای بلند بخندد. این‌ها فعالیت‌هایی هستند که ما اینجا برای کودک به اجرا می‌گذاریم. ما در کلاس‌های خودمان سوگلی نداریم، بلکه همه بچه‌ها برنده حساب می‌شوند و هیچ‌کسی در فعالیت‌های پیش‌دبستانی بازنده نیست. گاهی برخی والدین به مربی تأکید می‌کنند در انجام فلان بازی، اولی بچه من شروع کند؛ چون مثلاً حساس است. در حالی که من معتقدم همه بچه‌ها مثل هم هستند و تفاوت قائل شدن بین آن‌ها کار درستی نیست. پدر و مادر باید این را ببینند که فرزند آنان در این محیط خوشحال است.»

او سپس خطاب به مربیان حاضر در کارگاه به نکته مهمی اشاره کرد و افزود: «من مربی‌ای داشتم که فقط عجله داشت زودتر کارها را انجام بدهد و برود یا اولویت اولش این بود که چقدر اینجا پول می‌دهند. از نظر من کاری که این مربی انجام می‌داد، فایده نداشت. یک مربی باید بداند در این حرفه ارتباط او مستقیم با کودکان و آینده بچه‌هاست. شما سمبل و الگوی کودکان محسوب می‌شوید. گاهی همین کودکان وقتی به خانه می‌روند،

دکتر قیدر سپس به سراغ برخی از بازی‌های نسل‌های قبل، از جمله دهه ۱۳۶۰، رفت و از بازی‌هایی مانند یه‌قل‌دو‌قل، بالابندی، هفت‌سنگ و امثال آن یاد کرد و افزود: «همین الان به خودتان نگاه کنید. وقتی اسمی از بازی‌های دوران شما آوردم، چهره‌های شما شکفته شد و لبخند روی لب‌هایتان نشست. بازی و لذت برای بچه‌ها یک اصل است. به یاد دارم برای برنامه‌ای به تلویزیون رفته بودم تا در حوزه بازی فعالیتی را اجرا کنیم. یکی از بچه‌ها حرکتی را ده بار انجام داد و هر ده بار اشتباه بود و آن‌گونه که باید، انجام نمی‌شد.

مجری برنامه به من گفت که چرا حرکت او را اصلاح نمی‌کنید. من در جواب پاسخ دادم که برای چه چیزی باید این حرکت را اصلاح کنم. او دارد بازی می‌کند. خودش بالاخره به راه حل صحیح پی می‌برد. اگر بخواهی به کودک ایراد بگیری و بگویی که این کار تو اشتباه بوده است، در واقع او را شکسته‌اید. من توصیه می‌کنم هیچ‌وقت چنین کاری نکنید و برای این نوع اشتباهات حرص هم نخورید. من همیشه به والدین می‌گویم که اگر نگران این هستید مدرک پروفیسوری بچه شما را کسی امضا نکند، باید بدانید که ما اینجا به کسی

اگر بخواهی به کودک ایراد بگیری و بگویی که این کار تو اشتباه بوده است، در واقع او را شکسته‌اید. من توصیه می‌کنم هیچ‌وقت چنین کاری نکنید و برای این نوع اشتباهات حرص هم نخورید



شما را به‌عنوان الگو مطرح می‌کنند و اگر کاری را در جمع خانواده انجام می‌دهند، می‌گویند چون خاله نرگس این کار را کرد، من هم انجام می‌دهم. این یعنی شما در حال ساختن آینده بچه‌ها هستید. باید خودتان را باور کنید و بدانید تربیت نسل بعدی بر عهده شماست.»

مهارت‌های مقدماتی و مهارت‌های بنیادی

او در ادامه وارد مبحث دیگری شد و درباره مهارت‌ها خطاب به حاضران گفت: «برخی از مهارت‌ها مقدماتی هستند؛ یعنی باید وجود داشته باشند تا بتوانیم مراحل دیگر را کسب کنیم. برخی دیگر از مهارت‌ها بنیادی‌اند؛ مانند اینکه اول باید بتوانیم راه برویم تا به دنبال آن دویدن را هم یاد بگیریم. در واقع این مهارت‌ها مانند یک زنجیر و حلقه‌های آن به هم متصل‌اند؛ یعنی کودکی که نمی‌تواند خوب و درست راه برود، نباید از او انتظار داشته باشید که در کلاس لی‌لی برود. ما باید به مهارت‌های رشدی حرکتی بچه‌ها توجه داشته باشیم. این اصلاح حرکت را از طریق بازی هم می‌توانیم انجام بدهیم. الان اگر کسی از شما بخواهد در وسط این اتاق راه برود، شما نگاه نمی‌کنید که اول باید این پا و آن دست جلو باشد و بعد این حالت تغییر کند. شما این کار را به‌صورت

خودکار انجام می‌دهید. در واقع این حرکت‌ها در ذهن شما نقش بسته است و در بچه‌ها هم به تدریج با تمرین و بازی درست می‌شود. باید آگاهی از بدن را در کلاس با بچه‌ها تمرین کنیم تا آن‌ها اعضای بدن خود را بشناسند و کارکردهای آن را بدانند. البته منظور این نیست که کودک یاد بگیرد که مثلاً استخوان ترقوه در کجاست و چه کاری برای ما انجام می‌دهد. در واقع مهم این است که کودک در این دنیا به این بزرگی بداند که این قسمت از بدن سر او و این بخش نیز پای اوست. کودک باید

بدنش را در حد خودش بشناسد. آگاهی داشتن به بدن بسیار مهم است. این آگاهی به این معناست که بدانیم بدنمان چه مقداری از فضا را اشغال می‌کند و برخی معانی نسبت به خودمان مانند دور و نزدیک را بفهمیم. وقتی اندازه و حجم بدنمان را بشناسیم، می‌دانیم که آیا امکان دارد از یک چهارچوب عبور کنیم یا نه. همچنین وقتی شیء یا شخصی به سمت شما می‌آید، می‌فهمید که آن شیء یا شخص نسبت به شما دور است یا نزدیک، در سمت چپ شما قرار دارد یا در بالای سر شماست. شما می‌توانید این مفاهیم را با بچه‌ها کار کنید. پرداختن

به این مفاهیم در فرایندهای آموزشی خیلی به شما کمک می‌کند.»

مدرس جلسه سپس به سراغ مبحث آگاهی از محیط رفت و با طرح این پرسش که منظور از آگاهی از محیط چیست، حاضران را به چالشی ذهنی دعوت و پاسخ‌های آنان را نیز دریافت کرد. سپس در ادامه خودش به این پرسش پاسخ داد و گفت: «اگر پاسخ شما نور و صدا باشد، باید بگوییم که نور را نمی‌توان جزو فضا دانست؛ زیرا نور فضا اشغال نمی‌کند و بلکه فقط یک المان است که در محیط وجود دارد. وجود سروصدا در محیط هم نوعی آگاهی محیطی است؛ اما متفاوت است با اینکه کف اینجا با کف پوش یا پارکت پوشیده شده است و شما می‌توانید آن را لمس کنید.

نکته بعدی مربوط به آگاهی ارتباطی است. یعنی من بلد باشم چگونه با شخص کنار دستی خودم، مربی‌ام، مادرم و پدرم ارتباط برقرار کنم؛ لذا ورود به این قسمت کمی سخت است. از سوی دیگر وقتی کودکی سر کلاس من حاضر می‌شود، من باید از حال دل او خبردار شوم، یعنی بدانم دیشب در منزل به او چه گذشته است، ممکن است شب قبل غذای خوبی نخورده باشد یا خوب نخوابیده باشد یا حتی شاهد دعوی پدر و مادر بوده باشد. این‌ها نکات مهمی است که باید مورد توجه قرار بگیرد؛ یعنی مربی به این موضوع آگاهی پیدا کند و بداند با بچه‌ها چطور ارتباط بگیرد. اینجا قانون صفر و صد حاکم نیست. شما در ریاضی می‌دانید که ۲ بعلاوه ۲ برابر ۴ است و همچنین ۲ ضربدر ۲ نتیجه‌اش ۴ است

مادر کلاس‌های خودمان سوگلی نداریم، بلکه همه بچه‌ها برنده حساب می‌شوند و هیچ‌کسی در فعالیت‌های پیش‌دبستانی بازنده نیست. گاهی برخی والدین به مربی تأکید می‌کنند در انجام فلان بازی، اول بچه من شروع کند؛ چون مثلاً حساس است. در حالی که من معتقدم همه بچه‌ها مثل هم هستند



شما ارائه می‌کنم، در واقع در زندگی خودم اجرا کرده‌ام. بارها پیش آمده است که به دخترم، باران، گفته‌ام نیم ساعت دیگر پدر به خانه می‌آید، حالا شما به اتفاق برو و آنجا را مرتب کن و من هم در آشپزخانه همه چیز را مرتب می‌کنم، ببینیم کدام یک از ما سریع‌تر این کار را انجام می‌دهد. البته ظرافت‌های این کار را هم به او گوشزد می‌کنم؛ مثلاً وسایل را داخل کمد با نظم قرارداده که به محض باز شدن در کمد، همه چیز پایین بریزد و آبروی ما پیش بابا برود. من می‌دانستم مدت زمان مرتب کردن اتاق او حدوداً چقدر طول می‌کشد؛ اما از طرف مقابل خودم زمانی را که برای مرتب کردن آشپزخانه در نظر داشتم، طولانی‌تر می‌کردم تا او سریع‌تر کارش را انجام بدهد و برنده باشد. شما می‌توانید از هر امکان و وسیله‌ای برای بازی و تفریح بچه‌ها استفاده کنید. برای نمونه، ما در کلاس جعبه پیتزا را برای بازی در قالب کامپیوتر و لپ‌تاپ استفاده می‌کنیم. از این لپ‌تاپ برای خرید و فروش بلیط هواپیما در یک دفتر هواپیمایی هم می‌توان بهره برد.»

گاهی یک جواب مبنای سؤال بعدی است

دکتر قیدر سپس به برخی بازی‌های تعادلی پرداخت و از نقش و اهمیت آن با حضاران سخن گفت. وی در همین ارتباط یادآور شد: «از برخی بازی‌های تعادلی مانند چرخیدن، پیچش، غلط‌زدن و خم شدن هم می‌توان استفاده کرد. فرض کنید توپ‌هایی روی زمین ریخته شده است و بچه‌ها خم می‌شوند و آن‌ها را برمی‌دارند و بالا می‌آورند و بعد آن را به سمتی پرتاب می‌کنند یا به دوستان خود می‌دهند. این‌ها جزو مهارت‌های کار ماست که باید با بچه‌ها تمرین کنیم.»

نکته مهم دیگری که می‌خواهم با شما دوستان مربی در میان بگذارم، اهمیت پرسش و سؤال کردن است. همیشه در کلاس‌ها و کارگاه‌ها سؤال پرسید و تا زمانی که جواب آن را دریافت نکرده‌اید، ادامه دهید. گاهی جواب یک سؤال مبنای سؤال دیگری می‌شود. من معتقدم چرخه پیشرفت از پاسخی شروع می‌شود که منجر به پرسش دیگری بشود.»

مدرس کلاس در ادامه این بخش از برنامه، برخی فعالیت‌های عملی را در قالب بازی و حرکت با مربیان حاضر در جلسه تمرین و تکرار کرد. برخی از این بازی‌ها به صورت دو نفری یا سه نفری انجام می‌شد و تعدادی هم حرکاتی بود که هر فرد باید خودش آن‌ها را انجام می‌داد.

و ۵ نمی‌شود. ما برای برخورد با بچه‌ها و رفتار کردن با آن‌ها نظریه‌هایی یاد گرفته‌ایم؛ اما عملیاتی کردن آن‌ها خیلی مهم است. آنچه در اینجا به ما کمک می‌کند، استفاده از انواع بازی‌های حرکتی، دست‌ورزی، تلفیقی و مشارکتی است.

برای مثال در بازی‌های حرکتی مراحل وجود دارد که بچه‌ها باید آن‌ها را طی کنند تا به نتیجه‌ای برسند. حرکات دیگری هم مانند راه رفتن،

دویدن، جهیدن، سر خوردن، یورت‌مه رفتن، لی‌لی رفتن، سکسه رفتن، کوهنوردی کردن و خزیدن هم داریم. پرتاب توپ به سمت دیوار یا به سمت زمین هم نوعی مهارت حرکتی است. ما در اینجا ورزش آموزش نمی‌دهیم. همچنین هل دادن وسیله‌ای مثل صندلی، از این طرف به آن طرف اتاق، هم نوعی حرکت حساب می‌شود و برای بچه‌ها مهارت است؛ مثلاً من وقتی برای خرید به فروشگاه می‌روم، سبد چرخدار

را به دست دخترم می‌دهم تا او آن را

به این طرف و آن طرف حرکت بدهد. شما می‌توانید وقتی فعالیت‌ها و بازی‌ها در یک مرحله در کلاس تمام شد، با شادی و زبانی خاص از بچه‌ها بخواهید تا همه چیز را جمع کنند. من گاهی چنین می‌گویم که ملوان‌های عزیز، بادبان‌ها را بکشید و وسایل و اسباب‌ها را جمع کنید. کودکان از شنیدن این عبارت‌ها و مسئولیت گرفتن‌ها احساس لذت می‌کنند و در عمل، فعالیت‌ها را هم انجام می‌دهند.»

دکتر قیدر در ادامه با ارائه نکاتی اگرچه خطاب به مربیان، اما در واقع والدین را مدنظر قرار داد و توصیه‌هایی به آنان ارائه کرد: «آنچه را من الان برای

آنچه را من الان برای شما ارائه می‌کنم، در واقع در زندگی خودم اجرا کرده‌ام. بارها پیش آمده است که به دخترم، باران، گفته‌ام نیم ساعت دیگر پدر به خانه می‌آید، حالا شما به اتفاق برو و آنجا را مرتب کن و من هم در آشپزخانه همه چیز را مرتب می‌کنم



این حرکت‌ها و بازی‌ها در واقع پایان بخش قسمت اول برنامه صبح روز جمعه کارگاه بود.

بازی؛ معجزه‌گر زندگی کودکان

از بخش دوم برنامه به بعد، جلسه حالت کارگاهی داشت و شرکت‌کنندگان هر کدام باید فعالیت‌هایی را پایه‌ی مدرس جلسه انجام می‌دادند و مشارکت می‌کردند. مرجان قیدر با طرح کلمه کلیدی «بازی» خطاب به مربیان شرکت‌کننده در برنامه گفت: «بازی در زندگی بچه‌ها معجزه می‌کند. ما باید این را بدانیم که هم‌بازی بچه‌ها هستیم و مربی آن‌ها نیستیم. در واقع بازی تمرین طبیعی زندگی کردن است. این کلمه دایره امن کودکان به شمار می‌رود.»

یک ضلع اتاق مستطیل‌شکلی که همه ما در آن حضور داشتیم و تمام فعالیت‌ها نیز با سه دوربین فیلمبرداری می‌شد، از زمین تا سقف طبقه‌بندی شده و مملو از انواع اسباب‌بازی بود. مدرس جلسه در این بخش مربیان را آرام‌آرام به فعالیت دعوت می‌کرد. آن‌ها در هر مرحله باید از روی صندلی خود بلند می‌شدند و مثل کودکان، در وسط اتاق، بازی‌هایی را که دکتر قیدر ارائه می‌کرد، تمرین و اجرا می‌کردند. برخی از

بازی‌ها دو نفری بود و افراد باید دو به دو با هم انجام می‌دادند و برخی هم به صورت جمعی اجرا می‌شد. گاهی باید با هم شعری را می‌خواندند، کلماتی را تکرار می‌کردند و گاهی نیز بقیه باید، با دست‌زدن، نبرات وسط را همراهی می‌کردند تا آن بازی به خوبی اجرا شود.

مدرس کارگاه هر کجا لازم بود، ابزارها و وسایلی را در اختیارشان قرار می‌داد و آنان را راهنمایی می‌کرد تا بدانند با این ابزار چطور

باید یک بازی را به اجرا بگذارند. او خیلی خوب از زبان بدنش استفاده می‌کرد و با حرکات دست، چهره، چشم، پا و حتی لبخند به آنان انرژی می‌داد تا بدانند این فعالیت چطور باید از یک نقطه آغاز و در جای دیگر پایان پیدا کند. مدرس جلسه به خوبی حس و حال کودکان را بروز می‌داد و برای حضاران فعالیت‌هایی را تشریح می‌کرد که در طول این سال‌ها با بچه‌ها در محیط‌هایی مانند پیش‌دبستانی، پارک، مسابقات متعدد و حتی المپیک‌های کودکان داشته است. هدف از بیان این فعالیت‌ها جلب توجه مربیان حاضر در جلسه به این موضوع بود که مربی هنگام بازی فقط باید هم‌بازی کودک باشد؛ یعنی هر کجا لازم است در کنار او بنشیند

و همان فعالیت را با او بازی و تکرار کند، نه اینکه از بالا فقط مشاهده‌گر باشد و بخواهد به بچه‌ها دستوری برای اجرای بازی بدهد.

در چند تمرین اول، مربیان خیلی آرام با مرجان قیدر همراهی می‌کردند؛ اما او دست‌بردار نبود و در هر فعالیت و بازی تازه تلاش می‌کرد آنان را با خود همراه کند. او تمامی حضاران را کودک می‌دید و به همین سبب خیلی راحت بازی‌ها را ارائه و اجرا

می‌کرد. هر کجا لازم بود شعر می‌خواند، در هر موقعیتی ایجاب می‌کرد دست می‌زد و هرگاه نیاز بود اسباب‌بازی معمولی و ساده‌ای را می‌آورد و از دل آن، بازی‌های متنوع و گوناگونی را بیرون می‌کشید؛ یعنی شاید اگر شما از فروشنده آن اسباب‌بازی سؤال می‌کردید که این وسیله چه کارایی و کاربردی برای بچه‌ها دارد، فروشنده نمی‌توانست بیشتر از یک یا دو تمرین و بازی به شما ارائه کند. این در حالی بود که دکتر

قیدر، از همان ابزار ساده، بازی‌های متنوعی خلق می‌کرد و در کارگاه به مربیان ارائه می‌داد. او این مسیر از فعالیت خود را آن قدر ادامه داد تا حضاران در کارگاه، کم‌کم مربی بودن خود را فراموش کردند و حس کودک بودن بر آنان غلبه یافت.

او با اجرای بازی «بر، باد، باران و رنگین کمان» جمع مربیان را به هیجان آورد. این بازی هیچ ابزار خاصی نیاز نداشت و بچه‌ها تنها باید با دقت روی این کلمات، حرکاتی را مثل گرفتن دستان طرف مقابل، چرخیدن، دست‌زدن و معرفی کردن خود، به صورت یک شعر شاد کودکانه، انجام می‌دادند و لبریز از شادی و خنده می‌شدند.

همیشه در کلاس‌ها و کارگاه‌ها سؤال بپرسید و تا زمانی که جواب آن را دریافت نکرده‌اید، ادامه دهید. گاهی جواب یک سؤال مبنای سؤال دیگری می‌شود. من معتقدم چرخه پیشرفت از پاسخی شروع می‌شود که منجر به پرسش دیگری بشود



نشسته‌اند، باید آواهایی مانند «آ آ، ه ه و...» را با صدای بلند تکرار کنند. او سپس تعداد دیگری از مربیان را دعوت کرد تا در وسط کلاس حاضر شوند و لحظاتی با او در زاویه‌های گوناگون راه بروند. ناگهان از آنان خواست تا شکل و شمایل درخت را به خود بگیرند و به اصطلاح درخت شوند. او سپس حالت‌های

متعددی را برای یک درخت در نظر گرفت و از حضاران خواست تا تصویری از آن درخت را با زبان بدن خود ارائه کنند. حالت‌هایی مانند درخت خوشحال، درخت غمگین، درخت گرسنه، درخت خسته، درخت پیر و... .

اینجا بود که صدای خنده فضای کلاس را پر کرد. لبخند بر لبان همه کسانی که در کارگاه حضور داشتند، حتی کسانی که فقط نظاره‌گر بودند هم نشست. شبیه همین تمرین را دوباره ارائه کرد و از مربیان خواست به گونه‌ای در محوطه

کارگاه حرکت کنند که انگار روی تکه‌ای پیتزا، گوجه‌ای له‌شده یا ظرفی پر از ژله راه می‌روند و پای آن‌ها روی این مواد خوراکی قرار گرفته است.

او در لابه‌لای همین بازی‌ها و تمرین‌ها و تکرارها که گاهی کلاس از خنده منفجر می‌شد، نکات ظریفی را هم یادآوری می‌کرد: «اگر روی زمین کلاس خودتان المان‌هایی را قرار می‌دهید تا با بچه‌ها بازی کنید، یادتان باشد که این المان‌ها به تعداد همه بچه‌ها باشد یا همه آن‌ها بتوانند آن بازی را انجام بدهند. زمانی، پنج

دکتر قیدر هر کجا لازم بود توضیحی را با ظرافت ارائه می‌کرد و نکته‌ای کلیدی را با مربیان حاضر در جمع به اشتراک می‌گذاشت. او این بار به حضاران گفت: «بازی برای ایجاد تعامل خوب است. مهم این است که همه با هم باشند و همه احساس خوشحالی کنند. ما کلاس را باید این‌گونه شروع کنیم.»

طبق جدول فعالیت‌های کارگاه، این ساعت به ارائه نکات کلیدی در طراحی بازی‌های آموزشی و بحث درباره اهداف بازی و چگونگی سنجش موفقیت آن اختصاص داشت.

حس سرخوشی

مدرس کارگاه که تجربه‌های خوبی در زمینه فعالیت با کودکان دارد، خطاب به شرکت‌کنندگان گفت: «حال کلاس ما خوب شد؛ اما ما هنوز به آن حس سرخوشی نرسیده‌ایم. لب‌ها می‌خندد؛ ولی هنوز

بعضی‌ها استرس دارند. درگیر بودن ذهن روی همه چیز تأثیر می‌گذارد. لازم است یادمان باشد که آشناسدن افراد با هم در یک جمع به ما کمک می‌کند. وقتی می‌خواهیم ابزاری را برای بازی انتخاب کنیم، باید یادمان باشد که آن وسیله به تفکر و ذهنیت بچه‌ها نزدیک باشد.»

مدرس کارگاه دوباره فعالیت‌ها را با مربیان شرکت‌کننده شروع کرد. گاهی کاری را انجام می‌داد که همه بتوانند در همان لحظه آن را تکرار کنند، مانند تکرار برخی از صداها. حضاران در حالی که روی صندلی‌های خود

هدف از بیان این فعالیت‌ها جلب توجه مربیان حاضر در جلسه به این موضوع بود که مربی هنگام بازی فقط باید هم بازی کودک باشد؛ یعنی هر کجا لازم است در کنار او بنشیند و همان فعالیت را با او بازی و تکرار کند، نه اینکه از بالا فقط مشاهده‌گر باشد و بخواهد به بچه‌ها دستوری برای اجرای بازی بدهد



است به بچه‌ها مسئولیتی بدهید، مثلاً یک نفر پلیس باشد و بقیه مثل راننده در فضا حرکت و گاهی با هم تصادف کنند و پلیس بیاید و نقش خود را اجرا کند، به خاطر داشته باشید که این نقش را تمام بچه‌ها باید در همان جلسه تک‌به‌تک انجام بدهند. برای کودکان جلسه بعد معنادار نیست. اینکه شما به

تعدادی از بچه‌ها بگویید در کلاس بعدی و جلسه بعد شما این نقش را بازی می‌کنید، از نگاه آن‌ها اصلاً پذیرفتنی نیست. لذا مربی باید زمان را طوری مدیریت کند که همه بچه‌ها آن نقش و مسئولیت را خودشان در همان جلسه تجربه کنند.»

هر وقت برف بیاید، تولد من است!

این بار در ادامه کارگاه، مدرس جلسه و عضو انجمن روان‌شناسان ایران بادکنکی را آورد و خطاب به حاضران گفت: «الان نوبت بادکنک‌بازی است. بچه‌ها از تولید صدا لذت می‌برند و مربی از همراهی کردن با کودکان نباید خجالت بکشد.» او بادکنک را باد کرد و آن را در کلاس رها کرد و از مربیان حاضر در کارگاه خواست تا الان مثل یک بادکنک باشند؛ یعنی با صدای او آرام‌آرام از هوا پر شوند، خود را برای چند ثانیه نگه دارند و سپس با اشاره او خود را از هوا خالی کنند. بچه‌ها باید این حس و حالت را به خوبی ببینند. اینجا بود که دوباره کلاس از خنده منفجر شد. حالت،

صندلی را در محیطی قرار می‌دادند و از شش کودک می‌خواستند دور تادور آن بچرخند و بعد از قطع شدن صدای موسیقی، هر کدام روی یک صندلی بنشینند. اینجا بود که یک نفر جایی برای نشستن نداشت. این بازی بسیار غلط و اشتباه است. بازی‌ای که در انتهای آن برنده و بازنده وجود داشته باشد، برای

کودکان بی‌ارزش و بی‌معناست. ما معتقدیم در انجام فعالیت‌ها و بازی‌ها باید لذت خنده و حال خوش برای همه وجود داشته باشد و همه برنده باشند. من در اجرای بازی‌ها همیشه هم‌قد بچه‌ها می‌شوم. می‌نشیم و با آنان حرکت می‌کنم و با آنان بازی می‌کنم و همین همواره باعث می‌شود تا صدای خنده از کلاس من، زیاد شنیده شود. مربی باید حال خودش از حال خوب بچه‌ها خوب‌تر شود. یادتان باشد در هر موقعیت و جایگاه از نظر سن و سال و

تحصیلات و سواد هستید، آن را پشت در کلاس بگذارید و بعد به جمع بچه‌ها وارد و همراه و همبازی نوآموزان شوید.»

دکتر قیدر در حالی که بازی «گیت مترو» را با استفاده از یک فوم برای حاضران اجرا می‌کرد و از آن به‌عنوان فعالیتی سرشار از خنده و انرژی نام می‌برد، ماکت ماشین پلیسی را هم بر تن داشت و تعدادی حلقه به‌عنوان فرمان اتومبیل به مربیان داده بود تا در فضا حرکت کنند. او خطاب به مربیان یادآور شد: «اگر قرار

اگر روی زمین کلاس خودتان المان‌هایی را قرار می‌دهید تا با بچه‌ها بازی کنید، یادتان باشد که این المان‌ها به تعداد همه بچه‌ها باشد یا همه آن‌ها بتوانند آن بازی را انجام بدهند

شکل و زبان بدن شرکت‌کنندگان هم خودشان را به خنده وادار می‌کرد و هم سایر افرادی که در کارگاه آن‌ها را نظاره می‌کردند، متبسم و شاد شده بودند. در حین انجام و تکرار این بازی، مدرس جلسه به یک نفر اشاره کرد و گفت: «تنها ایشان بعد از آنکه گفتم بادکنک از هوا خالی شود، در پایان روی زمین افتاد و حالت بادکنک خالی را به خود گرفت. بقیه شما ایستاده بودید. خودتان بهتر از من می‌دانید وقتی بادکنک از هوا خالی می‌شود، دیگر بالا نمی‌ماند، بلکه روی زمین می‌افتد. حین انجام این نوع بازی‌ها به این نکته‌ها و ظرافت‌ها توجه کنید. الان که چند ساعت از کارگاه شما گذشته است، خودتان هم احساس می‌کنید حالتان خیلی بهتر است و من هم کلاس را خیلی شاد و جذاب می‌بینم. کلاس را باید این‌گونه شروع و با این چیزها حال بچه‌ها را خوب کرد. من الان بادکنک را برای شما

مثال زد و شما هم اجرا کردید؛ اما می‌توان حرکات و شکل رفتار حیوانات متعدد را هم با بچه‌ها تمرین کرد. بچه‌ها حیوانات را دوست دارند؛ اما یادتان باشد که همه باید در فعالیت مشارکت کنند.»

دکتر مرجان قیدر که به‌عنوان کارشناس بازی کودکان در صداوسیما و سایر رسانه‌ها نیز فعالیت دارد، در ادامه تأکید کرد: «بازی‌های حرکتی باید سناریو داشته باشد و ما می‌توانیم بازی‌های

متعدد را با هم ادغام کنیم. آن بازی قشنگ است که بچه‌ها خودشان آن را بسازند. سعی کنید بازی‌هایی را برای بچه‌ها در نظر بگیرید که همه با هم در آن مشارکت کنند. در حال حاضر، بیشتر خانواده‌ها تک‌فرزند هستند. این بچه‌ها خیلی دوست دارند مدام صحبت کنند. اگر بخواهید در حین صحبت کردن بچه‌ها حرفشان را قطع کنید، در واقع به آن‌ها آسیب می‌زنید. راه‌حل چیست؟ در این مواقع، باید بچه‌ها را در کلاس وارد موقعیت بازی کنید تا آن‌ها حین بازی حرفشان را ادامه بدهند. البته در حین بازی آن صحبت‌ها و حرف‌ها یادشان می‌رود. بنابراین می‌توانید در انتهای کلاس به کودک مدنظر یادآوری کنید که تو در ابتدای کلاس داشتی مطلبی را به من می‌گفتی، الان برایم بگو. با این روش این پرحرفی آرام‌آرام کاهش پیدا می‌کند.»

دکتر قیدر همان‌طور که در حال اجرای یک بازی بود و آن را با مربیان به اشتراک گذاشته بود تا آن‌ها هم این فعالیت را انجام بدهند، ادامه داد: «کودکان دوست دارند بیشتر مورد توجه مربی قرار بگیرند؛ لذا

باید آن‌ها را همیشه وارد بازی کنید و فرصتی به آن‌ها بدهید تا حرفشان را با شما در میان بگذارند. ساعت کلاس مهم‌ترین موضوع ورود به کلاس است؛ یعنی اینکه کودک در شروع کلاس باید بتواند حرف بزند و اصلاً خودش را پیدا کند؛ یعنی با بچه‌ها ارتباط بگیرد. این نوعی شروع برای کلاس است. دنیای کودکان دنیای بسیار قشنگ و زیبایی است. یاد می‌آید شاگردی داشتم که هر وقت برف می‌آمد، می‌گفت تولد من است. در واقع پدر و مادرش این را به او گفته بودند. آن سال در فاصله دو هفته برف بارید و او در هر دو جلسه که در کلاس بود، به من گفت که تولد من است. من کنجکاو شدم و پرسیدم او را دیدم که دقیقاً چه زمانی تولد اوست. سپس از والدینش سؤال کردم. آن‌ها به من گفتند که ما به او گفته بودیم در زمانی که تو به دنیا آمدی، برف می‌بارید؛

به همین خاطر این نکته در ذهن او ماندگار شده است. این موضوع را با شما در میان گذاشتم که بدانید ما باید وارد دنیای بچه‌ها بشویم و هرگز رابطه‌مان را با دنیای آن‌ها قطع نکنیم. اگر به این کودک بگوییم که هر کس سالی یک بار به دنیا می‌آید و تو دو بار در این مدت به من گفته‌ای که تولدت هست، در واقع دنیای او را خراب کرده‌ایم. خاطراتان باشد که جلب توجه بچه‌ها را جواب بدهید؛ یعنی اگر کاری می‌کنند که توجه شما را جلب کنند، باید به آن پاسخ

کودکان عاشق جلب توجه هستند. اگر ما به آن‌ها توجه نکنیم، باروش خودشان عمل می‌کنند؛ مثلاً کودکی که با داد زدن وارد محیط کلاس می‌شود، در واقع تلاش می‌کند تا توجه شما را به خودش جلب کند

دهید.»

کارخانه تولید بستنی

نوبت به بازی دیگری رسید. همه کارخانه را می‌شناسند؛ جایی که در آن محصولی تولید می‌شود و این بار مدرس جلسه یک شرکت بستنی‌سازی را بهانه قرار داد تا تعدادی از مربیان در مسیر خط تولید آن، کنار هم بایستند و از نقطه شروع تا نقطه پایان کار را در قالب نمایشی خلاق اجرا کنند. فضای کارگاه کم‌کم به خنده و شوخی تبدیل شد. مربیان حالا کاملاً با کارگاه مانوس شده بودند و شروع به بازی‌ای کردند که دکتر قیدر داستان آن را طراحی کرده بود. ابزارهای بسیار ساده‌ای در اختیار مربیان قرار گرفت. هر کدام باید فعالیتی را انجام می‌دادند تا شیر که محصول اولیه بود، در انتها به یک بستنی در داخل ظرف‌های قیفی شکل تبدیل و از کارخانه خارج شود. حرکات‌ها و صداها در این کارخانه باید طوری انجام می‌شد که نشان‌دهنده مسیر خط تولید باشد. مدرس جلسه معتقد بود الان شما



کنید. کودک توجه مربی‌اش را صددرصد برای خودش می‌خواهد. اگر مربی در مورد روان‌شناسی کودک چیزی بداند، با این مباحث تا حدودی آشناست و اگر هم از این مباحث بی‌اطلاع است، باید از روان‌شناس کودک راهنمایی و مشاوره بگیرد.»

مرجان قیدر در ادامه افزود: «مادران مشکلات رفتاری بچه‌های خود را پذیرا نیستند. بیشتر آن‌ها می‌گویند که فرزند من این مشکل را از بچه‌های شما در مهدکودک یا پیش‌دبستانی گرفته است. شما یادتان باشد که قضاوت کردن را کنار بگذارید. بهتر است اگر مشکلی در این حوزه دارید، با افراد بالادستی خود در میان بگذارید و دنبال حل مسئله باشید. اولویت اول بازی و به دنبال آن کسب لذت است. آموزش دادن مفاهیم باید با بازی همراه باشد. اگر شما بازی را بلد باشید، در واقع آموزش را هم خیلی خوب انجام خواهید داد. گاهی لازم است شعر، موسیقی، سرود و امثال آن را هم وارد فعالیت کنیم. باید فعالیت‌های ما به‌گونه‌ای انجام شود که حال بچه‌ها خوب باشد و آن‌ها نخواهند از کلاس شما بیرون بروند. در این صورت مربی خیلی موفق است.»

دنیای بازی؛ دهکده‌ای جهانی

مدرس کارگاه هم‌زمان که با مربیان شرکت‌کننده بازی و فعالیت‌ها را تمرین و دنبال می‌کرد، در لابه‌لای هر اجرا، نکاتی را نیز با آنان در میان می‌گذاشت. او در ادامه از حاضران در کارگاه خواست در همه حال دنبال یادگیری باشند و حس دانشجو بودن را تا همیشه همراه خود

پنج‌شش نفر هستید که این کارخانه را شکل داده‌اید؛ اما در یک کلاس پیش‌دبستانی می‌توان از بیست نفر در طول این مسیر کمک گرفت. آنجا بچه‌ها خودشان خلاقانه حرکت‌ها و رفتارهایی را انجام می‌دهند که موجب شادی، نشاط و خنده می‌شود.

در ادامه، این ایده‌پرداز و طراح بازی خطاب به حاضران در کارگاه گفت: «بازی تولید بستنی در کارخانه برخی از مهارت‌ها را در بچه‌ها تقویت می‌کند؛ مهارت‌هایی مثل مهارت‌های حرکتی، کلامی، تنفس در حین گفتار و استفاده از صداهای متنوع. این بازی مرحله‌به‌مرحله نیازمند تفکر خلاق است. خود کودک در طول مسیر تولید باید حدس بزند که برای درست شدن بستنی چه کار دیگری را باید انجام بدهد و نفر بعدی به نقش و مسئولیت خودش در مرحله بعدی فکر کند. همین تولید صداهای گوناگون در مسیر انجام این فعالیت باعث می‌شود تا بچه‌ها، در دوره ابتدایی، صدا کشیدن را راحت‌تر انجام بدهند. ما الان به‌خاطر محدودیت فضا این کارخانه را در خطی مستقیم درست کرده‌ایم؛ اما شما می‌توانید بچه‌ها را دایره‌وار در مسیر خط تولید قرار بدهید و با آن‌ها کارخانه بازی کنید. کودکان عاشق جلب توجه هستند. اگر ما به آن‌ها توجه نکنیم، با روش خودشان عمل می‌کنند؛ مثلاً کودکی که با دادزدن وارد محیط کلاس می‌شود، در واقع تلاش می‌کند تا توجه شما را به خودش جلب کند. او آستانه و حد شما را می‌داند و به همین خاطر چنین رفتارهایی را از خود نشان می‌دهد؛ لذا شما باید بگردید و مشکل او را پیدا



داشته باشند. دکتر قیدار در ادامه گفت: «دنیای بازی دهکده‌ای جهانی است و من سعی می‌کنم از دانش روز هم در مسیر کارم استفاده کنم؛ مثلاً خود من از یوتیوب و هوش مصنوعی هم یاد می‌گیرم. در واقع هوش مصنوعی مرا به دنیای بزرگ‌تری هدایت و یادگیری من وسعت پیدا می‌کند. شما باید از دیگران یاد بگیرید و سپس آن آموخته را مطابق با دنیای خودتان تغییر دهید. به قول خودم آن را مرجانیزه کنید. یادتان باشد هیچ چیز جای یادگرفتن را نمی‌گیرد. وقتی شما از کودکی و سنین پایین برای فرزندان کتاب بخوانید، او بزرگ‌تر هم که می‌شود، دنبال کتاب خواهد رفت. الان شما اینجا بازی کدو کدو را با ریتم و موسیقی خاص خودتان انجام دادید و من آن را یاد گرفتم. شاید من در ادامه آن را بر اساس نیاز خودم تغییر دهم و به اصطلاح آن را مرجانیزه کنم و به کار بگیرم. بچه‌ها به کمک این بازی‌ها، جهت‌های مختلف مثل بالا، پایین، جلو، عقب و... را یاد می‌گیرند. همین حرکت و جابه‌جایی را می‌توان به کمک عروسک با کودکان کار کرد. یادتان باشد فرصت لمس کردن وسایل بازی را در طول بازی به بچه‌ها بدهید.»

به لباس من وصل باشد. سپس در وسط کلاس روی زمین مثل کارتون گالیور دراز می‌کشم و بچه‌ها شروع به جدا کردن این گیره‌ها از لباس می‌کنند. این حرکت برای آن‌ها استفاده از انگشتان دست و حرکت میچ دست را به دنبال دارد. آموختنی‌های دیگری

هم در همین فعالیت وجود دارد. شما می‌توانید از ساده‌ترین وسایل و ابزارها برای بازی با بچه‌ها استفاده کنید. همان‌طور که در اینجا می‌بینید، من با دو قاشق پلاستیکی یک گیره ساخته‌ام که با کمک آن می‌توانم چیزهای کوچک را جابه‌جا کنم.»

این مدرس کارگاه توانمندسازی همان‌طور که نکات مورد نظر را با افراد در میان می‌گذاشت، همان فعالیت را در عمل هم با استفاده از ابزارهای موجود اجرا می‌کرد. وی خطاب به مربیان گفت: «مربی باید خلاق

باشد و از هر چیزی با عشق وسیله بسازد. وقتی شما از ابزارها برای بازی استفاده می‌کنید، یادتان باشد که درون آن، آموزش و یادگیری نهفته است. وقتی با همین چیزهای ساده ابزارهایی برای بازی بچه‌ها می‌سازید، تا حد امکان باید به تعداد بچه‌ها از آن تولید کنید. اگر وسیله ساخته‌شده شما به تعداد همه نبود، باید بازی را به صورت تلفیقی اجرا کنید تا تمام بچه‌ها فرصت بازی با آن ابزار و وسیله را داشته باشند.»

دنیای بازی دهکده‌ای جهانی است و من سعی می‌کنم از دانش روز هم در مسیر کارم استفاده کنم؛ مثلاً خود من از یوتیوب و هوش مصنوعی هم یاد می‌گیرم. در واقع هوش مصنوعی مرا به دنیای بزرگ‌تری هدایت و یادگیری من وسعت پیدا می‌کند

مدرس کارگاه گاهی در طول برنامه به تجربه‌هایی اشاره و نکاتی را نیز یادآوری می‌کرد. وی معتقد است مربی موفق باید بتواند از هر ابزار، وسیله و امکاناتی برای تولید وسیله بازی استفاده کند. هر وسیله بازی به دفعات این قابلیت را دارد که

مورد استفاده قرار بگیرد و بازی جدیدی از آن ساخته شود؛ مثلاً ظرف پلاستیکی تخم مرغ شانس که بچه‌ها خوراکی داخل آن را مصرف کرده‌اند، با ریختن چند نخود یا لوبیا می‌تواند ابزاری برای تولید صدا باشد. این ذهن خلاق مربی است که از زوایای متعدد می‌تواند به آن ابزار نگاه و برای کار خودش در کلاس استفاده کند.» دکتر مرجان قیدار در همین ارتباط گفت: «من گاهی با حضور در برخی پارک‌های محله، رو در

روی افراد می‌نشینم و از بازی برایشان صحبت و از همین طریق شاگرد جذب می‌کنم. یادگیری باید با بازی همراه باشد. گاهی وقتی وارد کلاس می‌شوم، تعدادی گیره رخت‌آویز به قسمت‌هایی از لباس خودم متصل می‌کنم و با همان حالت به جمع بچه‌ها می‌آیم. کودکان از همان اول با دیدن این شکل و قیافه من شروع به خندیدن می‌کنند و من از آن‌ها می‌پرسم که چه اتفاقی افتاده است. همین که نوآموزان به گیره‌های لباس اشاره می‌کنند، یعنی آن‌ها متوجه شده‌اند که این چیزها نباید



دست‌سازۀ بچه‌ها را تصحیح نکنید!

این مدرس در حالی که از تعدادی لیوان کاغذی و روی هم گذاشتن آن‌ها برای ساختن برجی استفاده می‌کرد، خطاب به مربیان گفت: «با انجام این کار شما می‌توانید حجم، بزرگی و ارتفاع را به بچه‌ها یاد بدهید. برای اینکه لیوان‌ها از روی هم پایین نیفتند، با استفاده از تکه‌ای خمیر می‌توانید آن‌ها را به هم بچسبانید و برج بلندی بسازید. یادتان باشد وقتی قرار است بچه‌ها این کار را انجام بدهند، آن‌ها از خلاقیت خودشان استفاده می‌کنند و ممکن است چیز تازه و جدیدی بسازند. اگر کودک در حین ساختن آن چیزی که شما مدنظر داشتید، تغییری ایجاد کرد و چیز دیگری ساخت، هیچ‌وقت ساخته او را تصحیح نکنید؛ اما اگر آن کودک از کلمۀ دوزیدن به جای دوختن استفاده کرد، شما نباید آن را تکرار کنید و همان کلمه را به کار ببرید؛ زیرا اگر شما آن را تکرار کنید، او از آن به بعد همان کلمه را استفاده می‌کند؛ زیرا می‌داند شما خوششان آمده است و دیگر آن را تصحیح نمی‌کند.»

مرجان قیدر، نویسنده کتاب مهارت‌های زندگی بر اساس یادگرفتن و انجام‌دادن و پژوهشگر حوزه تغییرات فضاهای آموزشی، در ادامه اجرای کارگاه، پس از آنکه فعالیتش در حوزه‌ای پایان یافت، از مربیان خواست تا اسباب‌بازی‌های موردنظر را از سطح زمین جمع‌آوری کنند و در قفسه‌ای بگذارند. وی در مورد همین رفتار گفت: «تا زمانی که مشغول فعالیت با بچه‌ها هستید، اجازه دهید همه چیز در کلاس به هم ریخته باشد؛ اما بعد از آنکه کار شما به پایان رسید، از بچه‌ها بخواهید تا وسایل را جمع و همه‌جا را تمیز و مرتب کنند.»

یادمان باشد وقتی بچه‌ها در حال دست‌ورزی، ساختن و کنار هم گذاشتن قطعات، رنگ‌ها و اندازه‌های گوناگون هستند و بعضی چیزها را با هم تحویل می‌گیرند، خودشان همراهی خواهند کرد و وسایل را به همدیگر می‌دهند؛ مثلاً اگر بچه‌ها در حال

ساختن آدمک هستند و دست یکی از آدمک‌ها به رنگ آبی است و دست دیگری زرد است، خود بچه‌ها با هم معامله می‌کنند و تعویض را انجام می‌دهند؛ یعنی به دوستانشان اعلام می‌کنند چه کسی رنگ آبی دارد که به من بدهد و من رنگ زرد را به دیگری بدهم. این‌گونه کار همدیگر را کامل می‌کنند. یادمان باشد همیشه در این نوع ساخت‌وسازها نگاه بچه‌ها را در نظر بگیریم. فرض کنید کودکی می‌خواهد خانه‌ای بسازد. او با ابزارها و

دکتر قیدر سپس به قفسه‌های پشت سرش که مملو از انواع اسباب‌بازی، وسایل و ابزارهای ساده و متنوع و در تعداد زیاد بود، اشاره و به مربیان یادآوری کرد: «برای گنجینه ابزار و وسایل بازی خودتان ارزش قائل باشید. سعی کنید، از ساده‌ترین امکانات،

بازی‌های متنوع بسازید تا بچه‌ها از آن لذت ببرند و احساس خستگی نکنند. برخی افراد از یک ابزار یا اسباب‌بازی فقط می‌توانند یکی دو بازی بیرون بکشند، در حالی که مربی باید بتواند از همان وسیله، بازی‌های متعدد بگیرد و با تنوع در کلاس اجرا کند؛ چون بچه‌ها از تکرار خسته می‌شوند و در زمان کوتاهی کنار می‌کشند. از نگاه من آن مربی موفق است که بتواند از هر چیزی بازی متنوع بسازد و آن را با بچه‌ها کار کند. تلاش شما بر این باشد که گنجینه بازی‌های خود را

به‌طور مستمر افزایش بدهید؛ مثلاً راه‌رفتن حیوانات در فضای کلاس را می‌توانید موضوع یک بازی قرار دهید. من بعضی از حرکت‌های حیوانات را یا از خودم درآورده‌ام یا اینکه از دیگران و حتی از بچه‌های کلاس یاد گرفته‌ام. حرکت سنجاب خسته روی زمین را خودم ابداع کردم؛ ولسی حرکت مورچه روی زمین را از نوآموزی در کلاس یاد گرفتم.»

**مربی باید خلاق باشد
و از هر چیزی با عشق
وسایله بسازد. وقتی
شما از ابزارها برای
بازی استفاده می‌کنید،
یادتان باشد که درون
آن، آموزش و یادگیری
نهفته است**

با هم یک کار را انجام می‌دهند. یادتان باشد یکی از لذت‌ها برای بچه‌ها در پایان کلاس، خراب کردن آن قطعاتی است که از آن وسیله‌ای را ساخته‌اند؛ مثلاً وقتی بچه‌ها از قطعاتی مثل خانه‌سازی استفاده کرده‌اند و چیزی را ساخته‌اند، دوست دارند در پایان کلاس آن را با دست خودشان خراب کنند و به هم بریزند. این فرصت را همیشه به بچه‌ها بدهید.»

تسلیم و همراه در مقابل بازی‌های حرکتی

کارگاه با بازی‌های تلفیقی و حرکتی در بعدازظهر روز جمعه نیز ادامه پیدا کرد و دکتر مرجان قیدر با محوریت مهارت‌های دست‌ورزی و نحوه بازی در این زمینه، تجربه‌های خود را با مربیان به صورت نظری و عملی در میان گذاشت. وی در آغاز سخن با ذکر این نکته که بازی‌های حرکتی را نمی‌توان از سایر بازی‌ها جدا کرد، خطاب به مربیان گفت: «ورود به دنیای بازی در برخی بچه‌ها گاهی سخت و دشوار است؛ اما همین گروه از بچه‌ها خیلی راحت و بدون استئنا با بازی‌های حرکتی ارتباط می‌گیرند و مشارکت می‌کنند. برای انجام بازی‌های حرکتی حتی اگر فضای باز و حیاط در اختیار نداشتید، می‌توانید از فضای کلاس خود استفاده کنید.

بچه‌ها از این بازی‌ها حس خوب می‌گیرند. بازی‌های تلفیقی حرکتی معمولاً مورد علاقه آن‌هاست؛ مثلاً آن‌ها از انواع حرکت و راه رفتن استقبال می‌کنند. این نوع بازی‌ها نیاز به آموزش ندارد و حتی اگر بچه‌ها آن را اشتباه انجام بدهند، اصلاً مهم نیست؛ زیرا با تمرین و تکرار در حین بازی آن حرکت را یاد می‌گیرند. حرکت سگسکه رفتن و امثال آن در فضای اتاق و سالن نمونه‌ای از این بازی‌هاست که می‌توانید آن را انجام دهید. همچنین حرکت با توپ و زدن آن به نقاط متعدد روی دیوار و زمین هم از همین جمله است. برای نمونه شما می‌توانید چیزهایی را روی میز بگذارید و از بچه‌ها بخواهید تا با توپ به سمت آن پرتاب کنند و آن وسیله‌ها را از روی میز به پایین بیندازند. همچنین مکعب‌هایی در ابعاد و اندازه‌های کوچک و بزرگ را می‌توان روی هم قرار داد و از بچه‌ها خواست تا با توپ به سمت آن پرتاب کنند و مکعب‌ها را از روی میز پایین بریزند.»

در ادامه، مدرس جلسه انواع و اقسام حلقه‌ها را در ابعاد و اندازه‌های متعدد در اختیار مربیان قرار داد و بازی‌های متنوعی را که می‌شد با آن‌ها انجام داد، برایشان یکی‌یکی مثال زد. شاید در نگاه اول به نظر برسد که با حلقه‌ها فقط می‌توان دو یا سه بازی انجام داد، اما دکتر قیدر مربیان را ترغیب کرد تا هر کدام بر اساس فکر و سلیقه‌ای که دارند، از این حلقه‌ها بازی بسازند و آن را در جمع مطرح کنند. این بارش فکری باعث شد تا مربیان در گروه‌های سه نفره بازی‌های



امکاناتی که در اختیار دارد، چیزی را می‌سازد و می‌گوید که این خانه است، در حالی که شاید از زاویه دید مربی آن شکل اصلاً شبیه خانه نباشد. شما نباید به کاری که او انجام داده است، ایراد بگیرید و بگویید این اصلاً شکل خانه نیست. فقط باید از او بخواهید تا خودش تعریف کند چرا این یک خانه است؟»

مرجان قیدر، مدرس این جلسه، در تمام طول این چند ساعت به طور مستمر در حال استفاده از انواع ابزارها برای نشان دادن این موضوع بود که هر وسیله قابلیت این را دارد که به عنوان اسباب‌بازی مورد استفاده قرار گیرد. او از هر ابزار و وسیله‌ای چند مدل بازی می‌گرفت تا تنوع و قابلیت‌های گوناگون را به مربیان نشان دهد. وی که در زمینه‌های متعدد در حوزه کودکان و برخی شاخه‌های ورزشی صاحب مدرک مربیگری است، کاغذی را در دست گرفت و آن را در حالت‌های گوناگون شروع به تازدن کرد. در همین حال خطاب به مربیان گفت: «فرض کنید شما کاغذ را دو یا سه بار روی هم تا می‌زنید؛ اما بچه‌ها نمی‌توانند دو بار تا بزنند. شاید تنها یک بار تا بزنند یا کاغذ را در دستان خود مچاله کنند. ما نباید به کودک بابت این کار ایراد بگیریم. همین اندازه که او کاغذ را با دستش مچاله کرده است و با آن بازی می‌کند، باید تشویق شود؛ زیرا او به تدریج این تازدن‌ها را یاد خواهد گرفت. همین اندازه که از انگشتان دست خود استفاده می‌کند، نتیجه مطلوب حاصل شده است. در فعالیت‌های من، بازی هرگز متوقف نمی‌شود. همواره تلاش می‌کنم از انواع و اقسام بازی‌ها که برای بچه‌ها لذت‌بخش است، استفاده کنم. در بازی بچه‌ها، نفر اول و آخر وجود ندارد. همه

گوناگونی را بر اساس این حلقه‌ها طراحی کنند و آن‌ها را با حاضران در جلسه در میان بگذارند. هم‌زمان با اجرای این ایده‌ها، مدرس کارگاه خودش نیز طرح‌هایی را با استفاده از این حلقه‌ها ارائه کرد که مورد استقبال سایرین قرار گرفت. تنوع اجرای این فعالیت آن قدر زیاد بود که بخش قابل توجهی از زمان برنامه را در بعدازظهر به خود اختصاص داد. وی هدف از انجام این کار را ایده‌پردازی مریبان برای استفاده از ابزارها، در حالت‌های گوناگون، برای طراحی بازی عنوان کرد و گفت: «مربی نباید ترسی از طراحی بازی در دل خود داشته باشد. هر آنچه را به ذهنتان می‌رسد، امتحان کنید. از سوی دیگر این فرصت را به نوآموزان بدهید تا آن‌ها هم خلاقیت‌های خود را با شما

در میان بگذارند. این کار شدنی نیست یا این کار را نمی‌توان انجام داد، در کلاس معنایی ندارد. این شما هستید که باید از خلاقیتتان استفاده و ایده‌های جدید را ارائه کنید. مربی باید حواسش به امکانات و فضا و محل کار خودش باشد و از تمام امکانات موجود بهره ببرد. این اتاق و این کلاس دنیای ماست و قوانین آن را ما تعیین می‌کنیم. اگر کودک اینجا نتواند بازی کند، پس کجا باید برود و بازی کند. او در آپارتمان چنین فضا و امکانی در اختیارش نیست. یادمان باشد که هیچ‌کس نمی‌تواند و نباید خطای بچه‌ها را تصحیح کند تا او بازی

را به‌اصطلاح درست انجام بدهد. گاهی ممکن است کودک آن حرکت را فراموش کند و کار دیگری را انجام دهد. ما نباید این موضوع را به او گوشزد کنیم؛ مثلاً شاید ما بازی‌ای را طراحی کرده باشیم که کودک از یک فاصله تا فاصله دیگر را به‌شکلی خاص حرکت کند و بعد در ادامه سایر فاصله‌ها را با حالت‌های دیگر پیش برود تا به انتهای بازی برسد. کودک ممکن است این مراحل را فراموش کند. این مربی است که باید به او کمک کند؛ مثلاً با قراردادن چند عکس که بیانگر آن حالت‌های بازی است، در ابتدای آن مسیرها، به او نحوه حرکت را یادآوری کند. در واقع مربی باید خودش در دل بازی باشد و آن حرکات‌ها را با بچه‌ها انجام بدهد، نه اینکه بالای سر آنان قرار بگیرد و به آنان دستور بدهد که این کار را انجام بدهید.»

دکتر قیدر، طراح و مجری بازی‌های کودکانه، در ادامه تعدادی بادکنک در اختیار مریبان قرار داد و از آنان خواست، مانند زدن توپ پینگ‌پنگ روی راکت، تلاش کنند بادکنک‌ها دائم به سمت بالا پرتاب شود. در مرتبه اول مریبان با کف دست یا روی دست این کار را به‌طور مستمر انجام دادند. وی برای آنکه به مریبان تنوع این بازی را یادآوری کند، از آن‌ها خواست تا در مراحل بعدی هر بار با یک قسمت از بدن مانند آرنج، زانو، سر و در حالت‌های گوناگون بادکنک‌ها را به هوا پرتاب و در مرحله بعد از ابزارهای راکت‌مانندی برای این کار استفاده کنند. مریبان با انجام همین بازی، فضایی بسیار شاد و مملو از نشاط را تجربه کردند. دکتر قیدر از این فرصت استفاده کرد و گفت: «همین اندازه که شما احساس شادی و نشاط و خنده می‌کنید، کودکان هم با انجام این بازی به چنین حسی می‌رسند و از آن لذت می‌برند. یادتان باشد که هیچ وقت از یک ابزار بازی فقط برای انجام یک نوع بازی استفاده نکنید و مرتب دنبال تنوع در این زمینه باشید. همین الان شما می‌توانید بادکنک را بین دو پای خود قرار دهید و شروع به پریدن، جهیدن و حرکت رو به جلو کنید. شما در ادامه می‌توانید، به‌صورت یک

مربی نباید ترسی از طراحی بازی در دل خود داشته باشد. هر آنچه را به ذهنتان می‌رسد، امتحان کنید. از سوی دیگر این فرصت را به نوآموزان بدهید تا آن‌ها هم خلاقیت‌های خود را با شما در میان بگذارند. این کار شدنی نیست یا این کار را نمی‌توان انجام داد، در کلاس معنایی ندارد



شما هستید که باید از آن به شکل‌های گوناگون استفاده کنید و بازی‌های متنوعی را برای بچه‌ها رقم بزنید. ویژگی بازی‌های حرکتی در این است که هم اندام‌ها هم‌زمان کار می‌کنند و هم ذهن بچه باید فعال باشد تا آن کار را انجام بدهد.»

مرجان قیدر این بار از دو سطح پارچه‌ای بسیار بزرگ برای انجام چند بازی متنوع استفاده کرد. یکی از این بازی‌ها فوتبال پارچه‌ای بود؛ چیزی شبیه ملحفه‌ای بزرگ که در دو سمت آن دو سوراخ داشت تا توپ پلاستیکی بزرگی از آن عبور کند. مربیان در اطراف این پارچه ایستاده و آن را بالا گرفته بودند و تلاش می‌کردند تا توپ را وارد زمین حریف کنند و از آن سوراخ به عنوان دروازه عبور بدهند. این بار نیز به خاطر این رقابت صدای خنده فضای اتاق را پر کرد. دکتر قیدر در ادامه صفحه پارچه‌ای دیگری به نام «پاراشوت» را به میدان آورد و از آن در نقش‌های متعدد استفاده کرد.

ما کم‌کم به لحظات پایانی برنامه نزدیک شده بودیم و مربیان هم روزی شاد را در تهران تجربه کردند. آن قدر فضا در طول این هشت ساعت جذاب و پررنگ بود که مهمانان یزدی ما هوای خاکستری تهران را فراموش کرده بودند. پایان‌بخش برنامه این

روز جمعه، ارائه دو شعر و موسیقی شاد کودکان بود. کلاس با شنیدن این دو موسیقی به کار خود پایان داد و مربیان هم کم‌کم آماده می‌شدند تا به شهر زیبای یزد برگردند.

یک آفرین تا «خودبودگی»

حسن ختام کارگاه توانمندسازی مربیان مجتمع آموزشی حضرت جوادالائمه (ع) به سخنان سید محسن گلدان‌ساز، اختصاص یافت. وی در حالی که تمامی شرکت‌کنندگان این کارگاه در اطرافش ایستاده بودند، گفت: «امروز بازی‌های متنوع و جذابی را شاهد بودید که توسط سرکار خانم دکتر قیدر با مشارکت شما اجرایی شد و بیشتر ایشان برای طرح درس از عبارت آفرین مرجان استفاده کرد. هر کدام از شما نیز می‌توانید از نام‌های خودتان با این عنوان استفاده کنید؛ آنجایی که بر مبنای یافته‌های این کارگاه، کاری را خلق، ایجاد یا تولید و حتی اجرا کردید و آنجا به خودتان آفرین گفتید. ما دنبال کسانی می‌گردیم؛ یعنی وقتی آمدید و نشستید و با هم صحبت کردید، یک آفرین به خودتان داشته باشد. به این نکته خودبودگی می‌گویند. معلم و مربی باید خودش باشد، خود خودش؛ یعنی آنچه



قطار، پشت سر هم قرار بگیرید و فاصله بین خودتان را با بادکنک پر کنید و طوری به بادکنک بچسبید که بادکنک از بین شما دو نفر جدا نشود و به زمین نیفتد. الان می‌بینید که با یک بادکنک می‌توان چند مدل بازی طراحی و اجرا کرد.»

فوتبال پارچه‌ای بین زمین و هوا

در ادامه، مدرس جلسه بازی‌های متنوع دیگری مانند پرتاب توپ چسبی به صفحه دارت‌مانند، بازی با تاس پارچه‌ای همراه با صفحات رنگی پارچه‌ای به همان رنگ‌های روی تاس و چند مدل بازی دیگر را ارائه کرد و به شکل متنوعی از این ابزارها بازی گرفت تا مربیان بدانند از هر وسیله‌ای می‌توان به شکل‌های گوناگون استفاده کرد.

او در این بخش خطاب به مربیان گفت: «فرض کنید برای پرتاب حلقه و انداختن آن به داخل یک میله یا کله قندی، شما فاصله‌ای را برای بچه‌ها تعیین می‌کنید تا از آن نقطه این پرتاب انجام شود. ممکن است تعدادی از بچه‌ها فاصله را رعایت نکنند و جلوتر بیایند و خیلی راحت آن توپ را داخل حلقه بیندازند. مهم لذت‌بردن بچه‌هاست. هیچ قانونی در این زمینه وجود ندارد که او بخواهد از آن اطاعت کند. گاهی با خودتان فکر کنید که فقط امروز همین یک وسیله را در اختیار دارید و این

یادتان باشد که هیچ وقت از یک ابزار بازی فقط برای انجام یک نوع بازی استفاده نکنید و مرتب دنبال تنوع در این زمینه باشید



کسانی که اینجا زحمت کشیدند و این کارگاه را اجرا کردند، تشکر کنم. همه ما در حال و جای خودمان از این برنامه استفاده کردیم. همچنین برای انجام این کار و برنامه‌ریزی این کارگاه جناب آقای ناصری و همکاران ایشان آقای شهابلو، آقای دیزجی و آقای بهرامی و سایر دوستان گروه خیلی زحمت کشیدند.

من از این دوستان صمیمانه تشکر می‌کنم. این طور که به من گفتند، قرار است آقای ناصری بسته‌ای را آماده و برای شما ارسال کنند. در این بسته آنچه را اینجا اتفاق افتاده است، ارائه می‌کنند. همچنین گواهی‌ای برای شما دوستان صادر خواهد شد که نشان‌دهنده شرکت شما در این دوره است و یادبودی برای شما و یادگاری برای ایام بعد. همچنین از تیم فیلمبرداری و تصویربرداری، آقای قدمی و دوستانشان، نیز تشکر می‌کنم. قرار

است این فیلم به صورت قطعات متعدد در نشر قصه و داستان استفاده شود. ما اگر وسیع‌تر آن را در اختیار داشته باشیم، خودمان یک بار این فعالیت‌ها را دوباره با هم بازنگری و بازاندیشی می‌کنیم.

در پایان، از زبان همگی از مربیان، مدیران و معاونان و همه کسانی که از مجموعه جوادالائمه (ع) به اینجا آمدند، تشکر می‌کنم. برخی از این دوستان دیشب در راه بودند و برخی شب قبل در مسیر بودند تا به تهران برسند و امشب هم باید به یزد برگردند و صبح فردا دوباره در کلاس‌های خودشان حاضر باشند. همگی شما عزیزان را به خدای متعال می‌سپارم و برایتان سلامتی و موفقیت آرزو دارم!

از درون او می‌جوشد و آنچه را یافته است، این‌ها را در هم بتند و استفاده کند. وقتی چیزی را در صحنه‌پردازی یادگیری به میان می‌آورد، خود خود او باشد. اگر آنچه را به بچه‌ها ارائه می‌کنید، خود خودتان باشد، بچه‌ها آن را دریافت می‌کنند و اگر غیر از این باشد، فایده‌ای ندارد. ما با هم دنبال آن خودبودگی می‌گردیم؛

یعنی به دنبال آفرین‌هایی که از پس کارها و برنامه‌ها به خود می‌گویید.»

گلدان‌ساز در ادامه به نقش و اهمیت پوشش لباس مربی اشاره کرد و یادآور شد: «اما نکته دیگری که می‌خواهم روی آن فکر کنید، پوشش و لباسی است که خانم دکتر مرجان قیدر بر تن داشتند. من به مدرسه شما آمده‌ام. خوشبختانه همه شما مدرسه و کلاس خوبی دارید و من تقریباً دانش‌آموز همه کلاس‌های

شما بوده و هستم. حال سوآلم اینجاست:

آیا این پوشش شما، در محیط کار با کودکان، برای چنین فعالیت‌ها و کارهایی در مدرسه مناسب است؟ ما پوشش دیگری می‌خواهیم که وقتی کار می‌کنیم، هیچ محدودیتی برای ما ایجاد نکند. این پوشش در مورد خانم دکتر هیچ محدودیتی ایجاد نمی‌کرد. ایشان کاملاً راحت بود. در تمام موقعیت‌ها و اجراها خیلی خوب با این لباس حرکت و برنامه‌هایش را اجرا می‌کرد. من از شما می‌خواهم که روی این موضوع هم فکر کنید.»

گلدان‌ساز نکته آخر را چنین بیان کردند: «و اما آخرین نکته! من اجازه می‌خواهم که از طرف همه شما از خانم دکتر قیدر، دختر و مادر ایشان و همکارانشان و تمام

گلدان‌ساز:
معلم و مربی باید خودش باشد، خود خودش؛ یعنی آنچه از درون او می‌جوشد و آنچه را یافته است، این را در هم بتند و استفاده کند



میزگردی با تعدادی از مربیان حاضر در کارگاه توانمندسازی

« ما مسیر را درست آمده ایم! »

میزگرد نشست است که در آن افراد با دیدگاه‌ها و تخصص‌های گوناگون گرد هم می‌آیند تا در مورد موضوعی خاص بحث و تبادل نظر کنند. این تبادل نظرها در حوزه آموزش و تربیت و یادگیری نقش بسیار مهمی را برای ارتقای کیفیت و اثربخشی فعالیت‌ها ایفا می‌کند. ما نیز به همین منظور، بعد از پایان این جلسه هشت ساعته، با تعدادی از حاضران به گفت‌وگو نشستیم و پرسش‌هایی را با آنان در میان گذاشتیم. نتیجه این گفت‌وگو را در ادامه با هم می‌خوانیم. در گام اول، معرفی کوتاهی از این افراد داریم تا شما شرکت‌کنندگان را بهتر بشناسید.

معرفی اعضای شرکت‌کننده در گفت‌وگو

«**فاطمه فلاح:** کارشناس فیزیک اتمی مولکولی و کارشناس ارشد روان‌شناسی آموزش، راهبر آموزشی پیش‌دبستانی جوادالائمه (ع)، با سیزده سال سابقه آموزشی در پایه اول و یک سال مربیگری پیش‌دبستانی.

«**زهرا لاله‌زاری:** کارشناس ارشد مشاوره روان‌شناسی کودک با هجده سال سابقه کار، مربی پیش‌دبستانی جوادالائمه (ع).

«**فرزانه راعی:** کارشناس ارشد شیمی، مربی پیش‌دبستانی پسرانه جوادالائمه (ع)، با یازده سال سابقه کار در مراکز پیش‌دبستانی و دبستان‌های یزد.

«**مریم رحیمی:** کارشناس مهندسی نرم‌افزار، مربی پیش‌دبستانی دو جوادالائمه (ع)، با هفت سال سابقه کار در دوره پیش‌دبستانی و کار با کودک.

«**مژگان السادات فلاحتی:** کارشناس آموزش ابتدایی، مربی پیش‌دبستانی جوادالائمه (ع)، با هجده سال سابقه کار در این مجتمع.

«**حمیده آخوند:** کارشناس ارشد روان‌شناسی آموزش، مدیر پیش‌دبستانی، با سابقه سه سال مربیگری پیش‌دبستانی، یازده سال آموزشی در پایه اول و یک سال راهبری آموزشی.

«**پریسا حسینی‌زاده:** کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی و کارشناس ارشد مدیریت و روان‌شناسی آموزش، با سابقه ده سال مربیگری در پیش‌دبستانی جوادالائمه (ع).

«**الهام فهیمی:** کارشناس آموزش ابتدایی، مربی پیش‌دبستانی، فعالیت در سمت معاون و مربی کتابخانه از سال ۱۳۹۴ در مجتمع جوادالائمه (ع).

«**سمیه خیاط سرکار:** کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی، مربی قصه‌گویی و داستان‌نویسی و راهبر طرح قصه در مدرسه در مجتمع جوادالائمه (ع)، فعالیت در سمت مربی قصه‌گویی از سال ۱۳۹۴ در دبستان جوادالائمه (ع).

«**مرجان زارع هرفته:** کارشناس نقاشی و کارشناس ارشد پژوهش هنر، ویراستار و سردبیر نشریه مدرسه ما، با سابقه مربیگری کودکان در آموزشگاه‌ها و تدریس نقاشی در دوره ابتدایی و یازده سال همکاری با مجتمع جوادالائمه (ع).

«**نرگس دهقانی محمدآبادی:** کارشناس زیست‌شناسی، مربی پیش‌دبستانی در مجتمع جوادالائمه (ع).



« حضور در این کارگاه و کارگاه‌های مشابه چه تأییراتی

روی کار و فعالیت شما داشته و دارد؟

فهیمی: زمانی که وارد این کارگاه‌ها می‌شوم، خوشحالم که بیشتر می‌آموزم؛ کارگاه‌هایی که در راستای اهداف من هستند و با حضور در آن‌ها مطمئن می‌شوم مسیری که انتخاب کرده‌ام و برایم اهمیت دارد، درست است. رحیمی: با شرکت در این کارگاه‌ها می‌توان مطالب آموزشی جدیدی را یاد گرفت و از اندوخته‌های علمی دیگران بهره برد. از تجربه‌های دیگران هم می‌توان به‌راستی استفاده کرد. حتی اگر آموزشی تکراری باشد، یادآوری آن بدون سود نخواهد بود.

راعی: کارگاه بسیار آموزنده و جالب و بانشاطی بود. بسیاری از بازی‌ها را قبلاً در کلاس‌ها اجرا می‌کردیم؛ اما بسیاری از آن‌ها جدید و متنوع و خوب بودند.

دهقانی: حضور در چنین کارگاه‌های مهیج و شادی مهارت‌هایمان را افزایش می‌دهد و می‌توانیم برای بعضی از مشکلاتی که با نوگلانمان داریم، راه‌حل پیدا کنیم. فلاح: حضور در این کارگاه و کارگاه‌های مشابه تأثیرات مثبت زیادی بر کار و فعالیت من داشته است. این نوع کارگاه‌ها معمولاً با هدف ترغیب مربیان به انجام کارها از روی خلاقیت، همکاری و توجه به جزئیات برگزار می‌شوند. این موارد می‌توانند باعث تصحیح سبک تفکر و ارتقای سطح اندیشه‌ورزی و تعامل مربی و کودک شوند. حضور در این کارگاه‌ها توانایی‌های خلاقانه را افزایش می‌دهند، همکاری‌ها را بهبود می‌بخشند، توانایی حل مسئله و توجه به جزئیات را افزایش می‌دهند. همچنین، روحیه و انگیزه را بالا می‌برند و انرژی و شادابی را می‌افزایند.

خیاط سرکار: من به‌شخصه تمایل و ذوق زیادی برای حضور در کلاس‌های آموزشی دارم و همیشه یکی از داوطلبان شرکت در کارگاه‌ها هستم. شرکت در کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های دانشی و انگیزشی و ارتباطی را توسعه می‌دهد و همچنین روش‌های کلاس‌داری را به‌روز می‌کند و بر مهارت‌هایمان هنگام مواجهه با چالش‌های جاری در ساعات‌های کلاسی می‌افزاید. حال اگر کارگاه فقط صرف نظریه‌های نوشتاری نباشد و مانند کارگاه خانم دکتر مرجان قیدر جنبه عملی و کاربردی هم داشته باشد، می‌تواند کاملاً مؤثر واقع شود. این کارگاه‌ها، به‌اصطلاح فراگیر، به جای دادن ماهی، ماهگیری یاد می‌دهند.

کارگاه عملی خانم دکتر قیدر چند جنبه شاخص کاربردی داشت:

- شناخت بازی‌های متنوع و شاد و لذت‌بخش؛

- معرفی ابزارهای بازی و وسایل بازی، هم دست‌ساخته

و ساده و هم مدرن و به‌روز؛

- بالابردن خلاقیت و یادگیری ساخت بازی در همان

لحظه با وسایل محدود؛

- تطابق بازی با حال خودمان و دانش آموزان.

فلاحی: کارگاه بسیار مؤثر و آموزنده و بانشاطی بود. در کل بسیاری از بازی‌ها جدید و متنوع بود و بسیاری از آن‌ها را هم با روش‌های دیگر در کلاس اجرا می‌کردیم. لاله‌زاری: در این کارگاه دید جدیدی به بازی پیدا کردم.

حسینی‌زاده: حضور در این گونه کارگاه‌ها برای به‌روزرسانی اطلاعات و ایده‌گرفتن، برای استفاده در کلاس، عالی و کاربردی است.

آخوند: این کارگاه‌ها می‌توانند تأثیرات بسیار مثبتی روی کار و فعالیت افراد داشته باشند؛ تأییراتی مثل تقویت خلاقیت، افزایش مهارت‌های اجتماعی، بهبود توانایی حل مسئله، توسعه مهارت‌های تدریس و آموزش و آشنایی با رویکردهای جدید.

به‌طور کلی، شرکت در این گونه کارگاه‌ها نه تنها به ایجاد فضای کار مثبت و خلاق کمک می‌کند، بلکه می‌تواند ابزارهای مفیدی برای پیشرفت شخصی و حرفه‌ای باشد. زارع: این کارگاه‌ها از چند زاویه می‌توانند بر مخاطب تأثیر بگذارند:

الف) تغییر نگاه به کودکان و انواع روش‌هایی که به تعمیق یادگیری آن‌ها می‌انجامد، در مقابل روش‌های سنتی و حافظه‌محور؛

ب) تغییر نگاه به تعریف مربی سنتی و رسیدن به تعریف جدیدی از مربی که بیشتر به تسهیلگری نزدیک است؛

ج) تغییر عملی روش‌هایی که در کار با کودکان انجام



می‌دهیم که با بازی و بسترسازی خلاقانه برای یادگیری همراه است.

«زمانی که برای شرکت در این کارگاه به تهران می‌آمدید، سؤالاتی در ذهن داشتید. یکی دو سؤال را با ما در میان بگذارید. اگرچه می‌گویند دانشجو و فراگیرنده‌ای خوب و عالی است که با دو سؤال وارد و با چند سؤال خارج شود.»

آخوند: وقتی برای شرکت در این کارگاه به تهران می‌آمدم، چند سؤال مهم در ذهن داشتم:

محتوای کارگاه چگونه طراحی شده است؟ آیا کارگاه شامل فعالیت‌های عملی و تعاملی خواهد بود یا بیشتر به مباحث نظری می‌پردازد؟ چه فنون و رویکردهایی برای آموزش بازی و تعامل با کودکان در نظر گرفته شده است؟ مدرسان و تسهیلگران کارگاه چه تجربه‌ای دارند؟ چه کسانی به عنوان مدرسان یا تسهیلگران در این کارگاه‌ها حضور دارند؟ آیا آن‌ها تجربه کافی در زمینه کار با کودکان و بازی دارند و می‌توانند به خوبی تجربه‌های خود را منتقل کنند؟

لاله‌زاری: بیشتر می‌خواستم بدانم که آیا با وسایل ورزشی هم می‌توان آموزش داد یا نه؟ کاربرد وسایل ورزشی در آموزش‌ها چگونه است؟

راعی: چگونه می‌توانیم با توجه به جمعیت زیاد کلاس‌های حدوداً سی نفره بازی‌هایی طراحی کنیم که کل کلاس را درگیر کند و برای همه بچه‌ها هیجان‌انگیز و جالب باشد؟

فلاح: در این موقعیت‌ها ممکن است سؤالاتی مانند محتوای دقیق کارگاه، معلومات تدریس‌کنندگان و تجربه شرکت‌کنندگان به ذهن متبادر شود؛ اما سؤالی که معمولاً مطرح می‌شود، این است که آیا فعالیت‌های این کارگاه می‌تواند به‌عنوان ابزار خلاقانه مفیدی برای نوآموزان مدرسه ما نیز مورد استفاده قرار بگیرد؟

رحیمی: چه بازی‌های جدید و متنوعی را یاد خواهیم گرفت؟ آیا حضور در این کارگاه راهی جدید برای آموزش برتر را برای من باز خواهد کرد؟

فلاحی: چطور می‌توانم از بازی هدفمند برای بهبود مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی استفاده کنم؟ چه نوع بازی‌هایی برای سنین گوناگون مناسب است و چطور باید آن‌ها را در کلاس به کار ببریم؟ چگونه بازی‌هایی طراحی کنیم که کل کلاس سی نفره را درگیر کند و هیجان‌انگیز و جالب باشد؟

حسینی‌زاده: آیا این کارگاه اختصاصی برای ما برگزار می‌شود؟ دقیقاً محتوا چه خواهد بود و قرار است چه چیزی بیاموزم؟

خیاط سرکار: من به‌شخصه همیشه در پی یافتن روش‌های جدیدی هستم که شالوده فعالیت‌های قصه‌گویی‌ام را به سمت دست‌و‌پا‌زی، مهارت‌های زندگی

و فعالیت‌های گروهی ببرم. وقتی این کارگاه مطرح شد، اولین سؤالی که به ذهنم آمد، این بود: آیا می‌توانم «بازی» را وارد فعالیت‌های پیش از قصه‌گویی یا پایان قصه‌گویی کنم؟

از طرف دیگر، من در دبستان پسرانه مشغول به‌کارم و همیشه دنبال قصه‌هایی هستم که به‌صورت غیرمستقیم در کنار لذت‌بردن از زندگی، تأثیر «مداراکردن و مهربانی» را در زندگی به بچه‌ها نشان بدهم. با نزدیک شدن به موعد کارگاه، این سؤال در ذهنم پدیدار شد: آیا می‌شود با مداراکردن و مهربانی و نشان دادن آن در «بازی سرخوشانه» لذت زندگی را چند برابر کرد؟

فهمی: سؤالات من در مورد شیوه کار خانم دکتر و نظرشان به شیوه کار ما بود.
زارع: پرسش قبل از کارگاه:

الف) چه چیزی قرار است در کارگاه به آموخته‌های قبلی من اضافه شود و آیا با آموخته‌های خود می‌توانم برای یادگیری بچه‌ها کاری کنم؟
پرسش‌های پس از کارگاه:

الف) بی‌شک روش‌های یادگیری، برای آموزش نسل جدید، باید متفاوت باشد؛ اما آیا واقعاً همه مربیان می‌توانند از چنین روش‌هایی با توجه به تعداد بالای بچه‌ها در کلاس‌ها، به‌ویژه در مدرسه‌های پرجمعیت، کمک بگیرند؟

ب) بهره‌گیری از هوش مصنوعی از تأکیدات استاد کارگاه بود که بسیار هم جالب بود؛ اما آیا سهل‌الوصول بودن این روش باعث نمی‌شود تا مربیان بدان وابسته شوند و کمتر

گروه دوستی و همکاری: بازی‌های گروهی بستری فراهم می‌کنند که شرکت‌کنندگان با یکدیگر ارتباط بگیرند و مهارت‌های اجتماعی و کاری تیمی خود را تقویت کنند.

ایجاد لحظات شاد و ماندگار: فعالیت‌های بازی‌محور می‌توانند لحظات شاد و بی‌نظیری را رقم بزنند که به یادماندنی خواهند بود. این حس مثبت به یادگیری کمک می‌کند.

تنوع و نوآوری: تکنیک‌ها و رویکردهای جدید می‌تواند به تحریک خلاقیت و نوآوری منجر شود.

حسینی‌زاده: انرژی بالای خانم قیدر عزیز و اینکه خودمان در کارگاه فعال بودیم، برایم جذاب بود.

لاله‌زاری: بخش جذاب این کارگاه همراه‌شدن شعرها با آموزش‌ها بود. من در استفاده از وسایل و به‌کارگیری آن‌ها در آموزش و ربط‌دادن آن‌ها به داستان دید تازه‌ای پیدا کرده‌ام که می‌توانم در کلاس اجرا کنم.

راعی: قسمت پایانی کارگاه که همه دور پارچه‌ای توپ‌بازی کردیم و نشستیم و شعر آقای حکایتی پخش شد، قسمت جذاب ماجرا بود. همیشه بازی با توپ، به‌خصوص برای پسرپچه‌ها، جذاب است؛ چون کل پچه‌ها در گیر می‌شوند. موزیکال بودن و نوستالژی بودن آهنگ آقای حکایتی هم خیلی حس خوبی داد.

رحیمی: چند بازی آخر که همه دوستان مشارکت داشتند و همچنین خواندن شعر، با حرکت دست، بسیار جذاب بود. دلیل این جذابیت مشارکت گروهی و ایجاد حس سرخوشانه بود.

فهیمی: همه بخش‌ها زیبا بودند؛ به دلیل اینکه به من احساس غریبگی نمی‌دادند و تعاملی دوطرفه ایجاد شده بود. من می‌توانستم خودم باشم، حال خوب بگیرم و حال خوب ببخشم.

فلاحتی: بازی بنر نه تنها سرگرم‌کننده است که به یادگیری رنگ‌ها هم کمک می‌کند. هر بار نوآموز پا روی رنگی می‌گذارد، این رنگ در ذهنش حک و یادگیری برای او جذاب‌تر می‌شود. قسمت پایانی کلاس هم که به صورت ریتمی، آهنگ آقای حکایتی پخش شد، حس خیلی خوبی داد. پارچه‌ای که همه با هم دور آن توپ بازی کردیم، بسیار عالی بود.

خیاط سرکار: استفاده از ابزارهای دست‌ساز برای بازی بسیار جذاب بود. همیشه استفاده از وسایل دست‌ساز برای بازی و قصه برای من جذاب بوده است. در این‌گونه مواقع تعلق خاطر پیدا می‌کنم که من هم می‌توانم این بازی را انجام دهم.

زارع: اینکه چطور می‌شود با کمترین امکانات سناریوهای دنباله‌دار نوشت و در کلاس اجرا کرد، نکته برجسته کارگاه بود.

دهقانی: طراحی بازی فقط با یک وسیله، به‌صورت



از خلاقیت خودشان بهره برند؟

ج) آیا استفاده از این روش‌ها نقطه ترمزی هم دارد؟ خط قرمزهای استفاده از این روش‌ها چیست؟ دهقانی: یکی از سؤالات من این بود: آیا وقتی برای نوگلی بازی طراحی می‌کنیم و آن را اشتباه انجام می‌دهد، باید اشتباه او را تصحیح کنیم؟ سؤال دیگر من این بود: آیا ما باید حال خوش نوگلانمان برایمان مهم باشد یا رضایت والدین؟

«جذاب‌ترین بخش کارگاه امروز از نگاه شما کدام

قسمت بود و دلیل این جذابیت چیست؟

آخوند: جذاب‌ترین بخش کارگاه بازی و یادگیری فعالیت‌های عملی و تعاملی بود که به‌واسطه آن‌ها، شرکت‌کنندگان می‌توانستند مستقیم با مفاهیم آموزشی درگیر شوند. این فعالیت‌ها شامل بازی‌های گروهی، کارهای دستی و سناریوهای عملی بودند که نه تنها برای یادگیری مفید که سرگرم‌کننده نیز هستند.

دلایل جذابیت این بخش عبارت‌اند از:

درگیرکنندگی: شرکت‌کنندگان به جای نشستن و گوش دادن به سخنرانی، به‌طور فعال، در فرایند یادگیری شرکت می‌کردند. این نوع یادگیری به‌خاطر تجربه کردن و عمل کردن عمیق‌تر و ماندگارتر است.

کسب تجربه‌های واقعی: این فعالیت‌ها به ما فرصت می‌دهد تا با چالش‌ها و موقعیت‌های واقعی روبه‌رو شویم و مهارت‌های خود را در محیطی ایمن و با پشتیبانی آزمایش کنیم.



نیازهای خود را بفهمیم.

- تقویت مهارت‌های حل مسئله: بازی‌ها و فعالیت‌های کودکانه‌ای را که مشاهده کرده‌ایم و آموخته‌ایم، می‌توانند به نوآموزان کمک کنند تا مهارت‌های حل مسئله خود را بالا ببرند و با تمرکز و دقت به حل مشکلات بپردازند.
- ارتقای مهارت‌های همکاری و تیمی: بازی بهترین راه برای آموزش همکاری و هماهنگی به کودکان است. این مهارت ارزشمند می‌تواند در کلاس درس و در زندگی روزمره آنان به کار گرفته شود.

- تقویت خلاقیت و تفکر انتقادی: بازی‌ها و انجام فعالیت‌های خلاقانه دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا با رویکردهای متفاوت به مسائل نگاه کنند و تفکر خود را توسعه دهند.

- آموزش مهم‌ترین مفاهیم به کودکان: از طریق بازی‌ها و فعالیت‌های کودکانه می‌توان به بچه‌ها مفاهیم اساسی و مهم را آموخت و آن‌ها را به یادگیری محتواهای آموزشی عمیق‌تر ترغیب کرد.

راعی: انشاءالله بازی‌ها را در کلاس اجرا می‌کنیم و نتیجه را می‌بینیم.

حسینی‌زاده: نکاتی را در این کارگاه آموختیم؛ اینکه از ساده‌ترین مفهومی‌ها و با ساده‌ترین روش‌ها می‌توان بازی ساخت و نیازی به پیچیدگی و تشریفاتی کردن این روند نیست. بی‌شک از این نکته در کلاس خود استفاده می‌کنم.

خیاط سرکار: مهم‌ترین ره‌آورد و دستاورد این کارگاه کاملاً عملی خلاقیت در ساختن بازی با وسایل و ابزارهای موجود و دم دستی بود. همیشه فکر می‌کردم باید وسایل مورد نیازم تکمیل و متنوع باشد تا بتوانم با بچه‌ها بازی کنم. در طول کارگاه در ذهنم با وسایلی که در یزد دارم، طراحی اولیه بازی‌های خودساخته و خلاقم را پی‌ریزی می‌کردم.

فهمی: من یاد گرفتم که آموزش را با بازی بیشتری همراه کنم. با همه‌چیز می‌توان بازی و آموزش طراحی کرد. نباید در قید و بند بود.

آخوند: پس از اتمام این کارگاه می‌توان به چند دستاورد مهم برای تربیت و یادگیری نوآموزان اشاره کرد:

- استفاده از روش‌های جدید آموزشی، مثل استفاده از بازی‌ها برای تقویت مهارت‌های اجتماعی یا همکاری بین کودکان؛

- تقویت مهارت‌های اجتماعی و عاطفی؛

- استفاده از بازی به‌عنوان ابزار یادگیری؛

- ایجاد محتوای مناسب و جذاب برای تقویت فرهنگ بازی به‌عنوان بخشی از فرایند یادگیری که می‌تواند نوآموزان را به یادگیری علاقه‌مندتر کند؛

- افزایش انگیزه و مشارکت.

زارع: از دستاوردهای این کارگاه برای من شناخت

گروهی، بسیار جذاب بود؛ زیرا تمام ما به چالش کشیده شدیم و مجبور به طراحی بازی بودیم. این چالش در بچه‌هایی را برای ما باز کرد.

« فکر می‌کنید پس از اتمام این کارگاه چه دستاوردهای مهمی را با خود به کلاس‌ها می‌برید و از آن‌ها برای تربیت و یادگیری نوآموزان استفاده می‌کنید؟

فلاحی: انشاءالله بازی‌ها را در کلاس اجرا می‌کنیم و نتایج آن را می‌بینیم.

دهقانی: در این کارگاه آموختیم که حتی با داشتن یک وسیله هم می‌توانیم بازی بسازیم و حال دل خود و نوآموزان را خوب کنیم، از اشتباه انجام‌دادن بازی نوگلان ناراحت نباشیم و اینکه من باید حال نوآموزانم را ببینم و نگران آموزش نباشم. آموزش خودبه‌خود اتفاق می‌افتد.

رحیمی: تعداد زیادی از بازی‌ها را یا به همین شکل یا با مدل‌های دیگر در کلاس اجرا می‌کردم؛ ولی حضورم در این کارگاه باعث شد تا خیلی از بازی‌هایی که اجرای آن‌ها را فراموش کرده بودم، به یاد بیاورم و تلاش کنم تا آن‌ها را در کلاس اجرا کنم. همچنین تعدادی بازی جدید و مفید یاد گرفتم؛ اما بزرگ‌ترین دستاورد من در این کارگاه این بود که سعی کنم همیشه، حتی در اوج خستگی، حس سرخوشانه را به نوآموزانم منتقل کنم.

فلاح: دستاوردهای مهمی از این کارگاه به دست آوردم که می‌توانم برای تربیت و یادگیری نوآموزان از آن‌ها استفاده کنم. برخی از این دستاوردها عبارت‌اند از:

- ارتقای مهارت‌های ارتباطی: این کارگاه‌ها می‌توانند به ما یاد دهند که چگونه با همکاران یا نوآموزان خود بهتر ارتباط برقرار کنیم و بهترین راه برای بیان احساسات و



بازی‌هایی بود که برای شروع کلاس مناسب‌تر هستند. بازی‌هایی که به‌جای تأکید بر بازی که زبان بچه‌هاست، بر درستی و غلطی قواعد بازی استوار است، بازی مناسبی نیست. استفاده از هوش مصنوعی برای تولید محتوا، در کار با نسل هزاره، از دیگر دستاوردهای این کارگاه بود.

« با توجه به رشد و شکوفایی کودکان در نسل امروز، به‌دلیل پیشرفت‌های علمی و فناوری و ارتباط بچه‌ها با آن پیشرفت‌ها، مربی موفق از نظر شما باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد و چگونه خود را آماده کند تا بتواند با چنین بچه‌هایی ارتباط برقرار و در زمینه تربیت و یادگیری آنان موفق عمل کند؟

خیاط سرکار: اولین شرط معلم خوب این است که دوست دانش‌آموزش باشد و به دنیای او نزدیک شود. محبت و احترام و مهربانی محکم‌ترین طناب نامرئی است که دل‌ها را به هم گره می‌زند. از دیگر مؤلفه‌هایی که معلم خوب باید داشته باشد، عبارت‌اند از: خلاقیت و سازگاری با محیط، بالابردن سواد و مهارت ارتباطی و مهم‌تر از همه، چشاندن مزه شیرین بازی و لذت‌بردن با هم را به بچه‌ها.

فلاح: امروزه، مربی موفق باید چنین ویژگی‌ها و مهارت‌هایی داشته باشد:

- فهم عمیق از روان‌شناسی کودکان: مربی باید فراگیری و شناخت عمیقی در حوزه روان‌شناسی کودکان داشته باشد تا بتواند بهترین روش‌های ارتباطی و تربیتی را برای رشد آن‌ها اعمال کند.

- ارتباط برقرارکننده: مربی باید توانایی برقراری ارتباط مؤثر با کودکان را داشته باشد و به آنها احساس احترام و اعتماد مشترک را القا کند.

- خلاقیت و ابتکار: با توجه به شکوفایی کودکان در دنیای امروز، مربی باید از خلاقیت و ابتکار مناسبی استفاده کند تا بتواند برنامه‌ها و فعالیت‌های خوبی برای تربیت بچه‌ها طراحی کند.

- توانایی مدیریت کلاس: مربی باید توانایی مدیریت کلاس و محیط آموزشی را داشته باشد تا همه کودکان را درگیر و مشارکت‌کننده نگه دارد.

- پذیرش و تحمل: مربی باید توانایی پذیرش و تحمل نقدها و چالش‌ها را داشته باشد و بتواند به شکل مثبت و سازنده‌ای به آن‌ها واکنش نشان دهد.

- توانایی انطباق با خصوصیات بچه‌ها: مربی موفق باید نیازهای کودکان امروز را بشناسد و بتواند خودش را با آن‌ها منطبق سازد و با احترام و پشتیبانی به کمک کند تا دانش‌آموزانش به شکوفایی و رشد خود برسند.

رحیمی: مربی خوب باید بتواند، در کلاس، حس کنجکاوی و خلاقیت بچه‌ها را بالا ببرد و با انجام فعالیت‌های متنوع آن‌ها را به کلاس و آموزش علاقه‌مند

سازد که آن‌ها حتی در منزل هم به‌جای استفاده از تلفن همراه و تلویزیون و... سراغ بازی‌هایی بروند که داخل کلاس یاد گرفته‌اند و هنگام ارتباط با هم‌سالان خود هم پیشنهاد همان بازی‌های کلاسی را بدهد.

راعی: مربی‌های امروزی باید به‌روز باشند و خودشان را مطابق با سلیقه کودکان امروزی آماده ورود به کلاس کنند. مربی باید شاد، پرانرژی، جذاب، آشنا با شخصیت‌های کارتون‌های امروزی و بازی‌های جدید باشد. البته درست است که دنیای کودکان با بازی شکل می‌گیرد یا به قول خانم دکتر قیدر، بازی برای بچه‌ها معجزه می‌کند؛ ولی در کنار بازی، آموزش‌ها هم باید به‌طور صحیح و کامل برای کودکان صورت گیرد.

فلاحی: مربی امروزی باید با آخرین فناوری‌ها آشنا باشد تا بتواند اطلاعات به‌روز را به نوآموزان منتقل کند و مفاهیم پیچیده را به زبان ساده توضیح دهد و ارتباط خوبی با آن‌ها برقرار کند. مربی باید هم پرانرژی و شاد و هم آشنا با شخصیت‌های کارتون‌های امروز و بازی‌های جدید باشد و فضایی دوستانه و حمایتی ایجاد کند. بازی معجزه می‌کند. مربی باید به نیازهای سطح یادگیری نوآموزان توجه کند و روش‌های متناسب با آن را به کار گیرد و در کنار بازی، آموزش‌ها هم به‌طور صحیح و کامل صورت بگیرد.

لاله‌زاری: اطراف ما وسایل دم دستی و ساده بسیاری است. مربی موفق باید از این وسایل به‌عنوان ابزار کار استفاده کند.

حسینی‌زاده: قطعاً مربی باید همراه با این نسل پیش برود و از پیشرفت امکاناتی چون هوش مصنوعی استفاده کند.

فهمی: مربی باید هم‌سن بچه‌ها باشد، نه هم‌سن شناسنامه‌ای، بلکه او باید در دنیای کودکی غرق شود. کودکان را باید دید و شنید.

آخوند: با توجه به پیشرفت‌های علمی و فناوری و تغییرات در رفتار و نیازهای کودکان، مربی موفق برای

متنوع بودن مطالب آن است.
فلاح: ویژگی مهم این بسته می تواند شامل این موارد باشد:

- انعطاف پذیری: توانایی تنظیم و تعدیل برنامه های یادگیری و آموزشی بر اساس نیازها و تفاوت های فردی نوآموزان.

- پشتیبانی: وجود محتواها و فعالیت های مورد نیاز مربیان و حمایت از آن ها در امر انتقال صحیح و خلاقانه مفاهیم.

- توانایی ارزیابی: توانایی ارزیابی مستمر و منظم عملکرد و پیشرفت نوآموزان، به منظور بهبود کیفیت یادگیری.

- همکاری و هماهنگی: بسترسازی برای همکاری و هماهنگی با دیگر مربیان، والدین و مدیران مدرسه، به منظور ایجاد محیط یادگیری موفق.

رحیمی: تقریباً دو ماه و نیم است که از این بسته استفاده می کنم. از ویژگی های مهم آن، طراحی و نقاشی های ساده و در عین حال رنگی و باکیفیت است که برای نوآموزان جذاب است. فعالیت های گوناگون و متنوع آن، علاوه بر آموزش، به تقویت مهارت های متعدد در نوآموزان کمک می کند. زمان بندی اجرای کتاب برای مربی مفید است و روند اجرای فعالیت ها را به خوبی نشان می دهد.

فلاحی: این بسته را از اول مهر امسال (۱۴۰۳) شروع به تدریس کردیم. متنوع بودن مطالب و تصویرها ویژگی خاص آن است.

لاله زاری: ابتدای سال تحصیلی جدید کار با این بسته را شروع کردیم. از ویژگی مهم این بسته تصویرهای رنگی است.

حسینی زاده: از اول مهر ۱۴۰۳ کارمان را با این بسته شروع کردیم. تنوع فعالیت های پیشنهادی و باز بودن دست معلم برای تغییر یا انتخاب فعالیت ها به فراخور نیاز کلاس از ویژگی های مهم این بسته است.

آخوند: امسال از طریق جلساتی که با آقای ناصری بزرگوار داشتیم، با بسته «من می دانم، من می توانم» آشنا شدم. برای سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴، بسته ها را سفارش دادیم و به دلیل اینکه در کلاس درس حضور ندارم، خودم به شخصه استفاده ای از آن نکرده ام؛ ولی کتاب را مطالعه کردم، بعضی فایل های صوتی را هم گوش دادم که بسیار خوب و جذاب بود.

دهقانی: اولین سال است که از این بسته استفاده می کنیم. داشتن طرح درس روزانه برای مربی که بتواند به انتخاب خود آن را در کلاس اجرا کند، از ویژگی های کاربردی این بسته است.

« در طول هفته چقدر از فایل های صوتی و تصویری



نسل امروز باید ویژگی ها و مهارت های خاصی داشته باشد که در ادامه، به برخی از آن ها اشاره می کنم: توانایی برقراری ارتباط مثبت و مؤثر با کودکان و درک احساسات و نیازهای آن ها، آشنایی با فناوری و تسلط بر ابزارها و فناوری های جدید که می تواند در یادگیری و آموزش به کار برود و توانایی استفاده از آن ها در فعالیت های آموزشی، دیدگاه خلاقانه و ایجاد ارتباطات عاطفی مثبت با کودکان و آموزش مستمر.

با داشتن این ویژگی ها و از طریق این روش ها مربیان می توانند به شکوفایی و رشد کودکان در دنیای امروز کمک کنند و به تربیت نسل آینده بپردازند.

زارع: برای کار با کودک امروز باید از فناوری های روز آگاه بود؛ چون بالاخره نسل جدید بومیان دیجیتال هستند و برای ارتباط با آن ها نمی توان به زمینی که ریشه هایشان در آن رشد یافته است، بی تفاوت و بیگانه بود، بلکه باید از دنیایشان اطلاع کامل به دست آورد تا بتوان آن ها را هدایت و فرهنگ درست استفاده از این نوع ابزار را در وجودشان نهادینه کرد.

دهقانی: مربی باید خوش پوش و خوش رو و خوش خلق باشد و با انواع روش ها و بازی های درست با بچه ها روبه رو شود.

« چه مدت است که از بسته تربیتی و یادگیری «من می دانم، من می توانم» استفاده می کنید و ویژگی مهم این بسته از نظر شما چیست؟

فهمی: از تابستان با این بسته آشنا شدم و تقریباً سه ماه است که در حال اجرای محتوای آن هستیم. ویژگی مهم این بسته باز بودن دست معلمان در کم و زیاد کردن مفاهیم آن است.

راعی: از آغاز امسال شروع به تدریس این بسته کردیم. ویژگی خاص آن به نظر من رنگی بودن تصویرها و



معلم ایده اولیه می‌دهد. گاه عین همان ایده اجرا می‌شود و گاهی تغییری در آن صورت می‌گیرد.

رحیمی: به نظر من بدون کتاب راهنمای مربی نمی‌توان هیچ‌کدام از فعالیت‌های کتاب را به خوبی انجام داد؛ چون توضیحی برای هر صفحه وجود ندارد. مربی باید حتماً به کتاب راهنمای مربی رجوع کند یا از رمزینۀ پاسخ سریع استفاده کند تا بتواند کتاب را پیش ببرد. به نظر من این کتاب جزو جدایی‌ناپذیر این بسته است.

راعی: کتاب راهنمای مربی خیلی به ما کمک می‌کند. شاید اگر این کتاب نبود، خیلی از مطالب را نمی‌توانستیم تدریس کنیم. صفحه به صفحه باید از این کتاب استفاده کنیم؛ چون کتاب‌های بدن من، شهر من، خانه من و... بیشتر تصویر هستند و هیچ سؤال و راهنمایی داخل خود جزوه‌ها نیامده است. به همین خاطر، حتماً باید به کتاب راهنمای مربی مراجعه کنیم. شاید چون سال اولی است که با این کتاب کار می‌کنیم، چنین است. انشاءالله برای سال‌های آینده کار با این کتاب‌ها راحت‌تر است.

لاله‌زاری: کتاب راهنمای مربی را مرتب استفاده می‌کنیم؛ چون باید روش کار هر صفحه را یاد بگیریم؛ مثلاً صفحات مربوط به آموزش آواها حتماً باید راهنما داشته باشد تا طبق آن راهنما، بچه‌ها را به طرف صدای مورد نظر راهنمایی کنیم.

فلاحتی: کتاب راهنمای مربی خیلی به ما کمک می‌کند؛ چون کتاب‌ها اکثراً تصویر هستند و برای استفاده از آن‌ها باید به کتاب راهنمای مربی مراجعه کنیم. فهمیمی: راهنمای مربی به ما کمک می‌کند که بتوانیم مفاهیم کتاب را بهتر به بچه‌ها یاد بدهیم؛ چون بعضی از مفاهیم گنگ هستند.

دهقانی: کتاب راهنمای مربی برای مربیان بسیار عالی و لازم است. این کتاب ما را به سمت آموزش سوق می‌دهد و هدف از انجام هر فعالیت را به‌طور روشن بیان می‌کند. همین امر موجب می‌شود مربی فعالیت‌های فراتری به ذهنش برسد و آن را انجام دهد.

این بسته استفاده می‌کنید و واکنش بچه‌ها به این فایل‌ها چیست؟

راعی: حتماً هفته‌ای یک بار، بعضی مواقع دو بار، از فایل‌های صوتی و تصویری آن استفاده می‌کنیم تا بچه‌ها، با شخصیت «پاپالو»، داستان‌ها را دنبال کنند. بچه‌ها هم بیشتر فایل‌های تصویری را دوست دارند.

فلاح: من امسال راهبر آموزشی پیش‌دبستانی هستم، برای طراحی فعالیت‌های مرتبط گاهی به آن مراجعه می‌کنم.

رحیمی: بیشتر قصه‌ها و شعرها را خودم برای بچه‌ها می‌خوانم. از فایل‌های صوتی کمتر در کلاس استفاده می‌کنم؛ ولی نوآموزان به فیلم‌ها و صوت‌های آموزشی علاقه نشان می‌دهند. در برخی از فعالیت‌ها هم از فیلم‌ها و صوت‌ها استفاده می‌کنم تا تنوعی در آموزش باشد و یکنواختی کمتر شود.

فلاحتی: هفته‌ای دو بار از فایل‌های صوتی و تصویری استفاده می‌کنم.

حسینی‌زاده: در طی روند تدریس، از فایل‌های صوتی و تصویری زیاد استفاده می‌شود. بچه‌ها خیلی آن‌ها را دوست دارند. گاهی برای جلوگیری از تکراری شدن و عادت، خودم متن فایل‌های صوتی مثل قصه را برایشان می‌خوانم.

فهمیمی: من چون خودم دایره و دف و سازهای کوبه‌ای می‌زنم، از فایل‌های صوتی خیلی کم استفاده می‌کنم و بیشتر خودم لایو برگزار می‌کنم.

دهقانی: فایل‌های صوتی قصه‌گویی و تصویرها برای بچه‌ها خیلی جذاب‌اند و آن را دوست دارند. من هم سعی می‌کنم که برای انجام فعالیت هر صفحه، هم‌زمان از تصویر و فایل صوتی استفاده کنم.

« کتاب راهنمای مربی و راهنمای والدین چقدر به شما در انجام فعالیت‌ها کمک کرده و مفید و مؤثر است. لطفاً مثال هم بزنید.

حسینی‌زاده: کتاب راهنمای مربی کاربردی است و به

« بازی های سرخوشانه

دراواسط برگزاری کارگاه، دفتری در اختیار مربیان ارجمند قرار گرفت تا نظرات خود را درباره کارگاه بنویسند. آنچه می بینید و می خوانید همه نظراتی است که مربیان عزیز نوشته اند.



پریسا حسینی زاده

سلام عرض ادب
از حضور دستان کارگه بسیار تشکر می کنم کارگاه بسیار خوبی بود و استادها بسیار خوب بودند. از دیدن گفتگوهای و بازیها امیدوارم و حتما با تغییرات لازم در کارگاهم اجرا کنم. رفتار مسئولان گرم و عالی بود اما به نظرم نحوه سخن گفتن کارگاه گستره برای علمها و بین جانشینان بسیار بود و اگر هستی بزرگ به هر علم اختصاص سلولیت عالی بود.
خانم مدیر عزیز حتماً بر خنده و خوش بشوید و توانمند و سلولیت بودند. از همه کارگه عزیزان بسیار تشکر می کنم.
پریسا حسینی زاده



اکرم محبی

بسم خدا
با عرض سلام و ادب
دین ما کارگاه بسیار بسیار لذت بخش بود
و من خیلی لذت بردم
حال خوب استاد خیلی اثرگذار بود برای
اجراها و این مسئولان همه به هدف خود
مصرف از حواس زحمت فرودمان
mohebi



فاطمه فلاه

به نام اولین آفرین بوی عالم که به مبارک است... الرحمن الرحیم

از برای توم و میمانی دوستان عزیز در مرکز بسیار سپاسگزارم.

با کمال اشتیاق و اقبال امروز در کارگاه بسیار راه جوی

از زندگی دستار از حسن و خوب فعالیت و خدمت شرکت

کردم. برای این کارگاه حباب عمیقاً بافت هم آمیزی

تجارب و سوخته های زینت فرید. شرکت در این کارگاه از

انفعالات مایه گذار دوران حضورم در مجمع آموزشی خواهد بود.

معرضت به استفاده از یک فضای مناسب بدون حضور دیگران

میلاری بخاک کارگاه را در چندان دلچسبی نمود. مجدداً از ایجاد

این فرصت ناب یادگیری و تجربه حضور در این دوره بسیار سپاسگزارم

سیدنا فلاح

بسم تعالی

سلام در عرض ارباب

بند و ضعیف خرسندم دیدار این کارگاه را شاد و هیجانی شرکت کردم

و با تمام دل و خردم دیدار داشته ام

با اراغ بارهای توام با امور من منافع منبر آشنا شدم و بعضی

از وقت و بعضی که لازم است در کلاس با دوستان داشته باشم نموت

حلی مانی می شود در احوال شرکت در کارگاه های بعدی هم کمتر

برای حال فراهم نشود

ارضا علی در سب چنین دیدار و ملاقاتی کند همیشه بسیار سپاسگزارم.

دکتر دهقانی



نرگس دهقانی

به نام خداوند بیدارنده های قلب

کارگاه امروزه جمعه ۱۳۹۲/۹/۲۴ با بدارت نخستین

و خوب بود. تعدادی از بازی ها را مبتدا در کلاس ها موز

ایجاد راه بوریم دبیری از آنجا جدید در حالت را مورد بود

مات کلاز خانم در جان قیدر عزیز و تمامی مسئولین که

این کارگاه را بیدار کردند و تسهیل و تیر از آسانی ناصبی

بابت دعوت و شرکت در این کارگاه و این دوره یادماند

تشکر

مدرسه زاهدی



فرزانه راعی



الهام فهیمی

همچون آنکه می توانم نوشت...!

بعضی انسانها را باید در زمین حالت بی خوابی
 قرار دادیم که انتشار حضور در این دوره بی دانش و علاقه
 بر آن که بسیار کمترین ممکن است که بسیار از کارهای
 می توانم در یک لحظه بر آن بیاید و خوب می توانم
 درست است.

منه ای کاش می توانم بنظر بیایم و ادبی که بی کسی
 از همه کاش می توانم این احساس ای می که بیازی و ما و ما
 با انجام دایم منتهی از کسی میور شود و این است
 و فقط بی کسی و تقابل بی طرف بود البته تا اینجا کارگاه
 بی که این سید بی همه او که در این

سپاس
 ۲۹
 ۲۹

بدنام خالق شاد رخا

در کارهای روز جمعه ۱۴۰۳/۳/۲۴ برگزار شد
 به طور کلی کار برین سازنده و شاد و مفید بود
 ارتباط با همکاران سرکار خانم قدیر بسیار عالی بود و از خوش
 گذری در این کارزار بسیار سپاسگزارم به خصوص سیمین خواهر بسیار محترم
 یاد و خاطره اش در دلم ماندگار است
 شخصاً از حضور کارگاه طوری که در تقابل بودنت بسیار لذت
 ببرم را بی نهایت بخشیدم. ممنونم از حالت تمام مکتب بودم
 حمیده آخوندی



حمیده آخوندا

به تمام عزیزان گرامی
 سلام و احترام
 که با وجود کسالت زنگنه شما که
 در این کارگاه یاد گرفتیم که آموختیم و یادمان زنده بماند
 باید با ما بیایید چه با خود را زنده کنیم
 و همهمه که اگر ما را در سر زمین کار خود انجام دهیم
 ما تمام نفس خوبی در آموختن روحیه و ستادی
 دین ما که همه به هم و ایرانی و دنیا و سر بلند کاشتم با هم
 با عزیزان بی برادر امید. علاقه و عشق
 بسیار فراوان و عالی بود کارگاه. و خیلی دیدیم و
 نسبت به آنقدرش در روشی می توانم جویبار

سپاس
 ۲۹
 ۲۹



زهرا الاله زاری

بنام لود که خدا را قدر گویند
 قصه بازی دنیای رنگارنگ کودکان را می سازند
 بسیار رضایت ششم از حضور در کارگاه بازی برخوردارند
 کارگاه بسیار دلنشین و کاربردی ، عملی و تشریحی بود
 بهترین وجه کلاس ، پرورش خلاقیت برپایه بازی برای ساخت
 بازی لذت بخش از وسایل ساده و دم دستی
 سپاس بی پایان از خانم دکتر مرتضی قیصر از سرپرستی لذت هایی
 که در جمع ۷۳ کبان به ما چنانند
 شایسته ترین به طلبه ای صادر خنده های خوشنما بود
 مسئولین برای کارگاه ، کامران سرپرست

با احترام
 سمیه خیاط سرکار



سمیه خیاط سرکار

سلام دیرین ادب
 بنده خیلی خوشحال شدم در اختیار این روز داشتیم در کارگاه
 خانم قیصر توانمند شرکت کنیم
 کارگاه کاربردی و دست در دهی جانم بودند
 لذت بردیم امیدوارم این نمونه کارها هم برای شما داشته باشد
 با مهر فرزانه کافی



فرزانه کافی

بنام خانم هستی
 کارگاه بسیار جذاب ، جذاب و مفیدی بود
 انرژی خوبی از راهبر گرفته شد به ما و دردی نبرد
 نشان داده شد که با وسایل ساده می توان
 بازی های مختلفی طراحی کرد که دانش آموزان
 را به وجد و شگفتی می آورد
 تشکر از خانم لزهبری بزرگوارانی که فرصت
 یادگیری را برای ما فراهم کردند
 سپاس بی پایان
 لیلا جمالی



لیلا جمالی

بسم خالق زیباییها
 درود و تحسین بر سرکار خانم مرجان زارع:
 بارگشای هیچ وجه متوجه نمی‌شود، با بهترین آرزوهای
 عزیزان و درختان توین جمله همه در این
 این بود مری زهن بریده است.
 انزوی عالی مری ختم فرید و این حمد است
 درخت بر لاله لاله مان طریقه را پس



مرجان زارع

بسم خالق زیباییها
 از اینکه فرصت فرستم شد تا بتوانم در این کارگاه
 گفتگو شرکت کنم خدار شکرم و از حضور
 شما در کارگاه بسیار لذت بردم. از یاد آوری
 بسیار از اینها می‌خوابم که به موزیک اجرا
 کن از کلاس، ترنم‌ها کرده بودم خودم
 مطالب و اینها می‌خوابم که آموزش بسیار مفید و
 کارهای بود. از یاد آوری و همچنان نوآوری
 بسیار خوب شما کمال شکر و قدردانی دارم.
 روزگار خدایم شما در برکت
 ۱۴۰۳/۹/۲۳
 مریم رحیمی



مریم رحیمی

بسم خدایا
 کلاس بازی کب سفید همان آید به زیبایی
 بارگشای بود
 کلاس بازی بصورت عملی است شد که مفید
 در این در ذهن من جا بیافتد. که به‌های عملی و
 بازی‌های کردیم در شما یادگیری را جذاب کرد
 کلاس به‌ها امکان دار که بصورت مستقیم با ما هم
 در این کلاس و شما را بگردانیم
 هرگز نفوس کرد که یادگیری می‌تواند این قدر مفید
 نشده باشد. شاد و بی‌استرسی باشد
 خسته‌ترین استادان
 ۱۴۰۳/۹/۲۳
 امیر



مژگان السادات فلاحتی